



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۰۵

شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۳، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۴

خشونت علیه زنان و زن ستیزی اسلامی

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

صفحه ۲

آتش بس در لبنان، نقطه عطفی در موقعیت

اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی

اصغر کریمی

صفحه ۵

لجن پراکنی به جای نقد سیاسی

پاسخی به حمله کنندگان به حزب کمونیست کارگری

خلیل کیوان

صفحه ۶

تهدیدات نظامی و هسته‌ای حکومت عین ذلالت

است

مهران مجبی

صفحه ۸

سیستم جدید استار لینک کابوس حکومت اسلامی

کیوان جاوید

صفحه ۹

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰

ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم!

حکومت منفور اسلامی در تلاش است با جنایت و اعدام، خود را چند صباحی بیشتر بر سر پا نگه دارد. در برابر مردم مصمم و به‌جان آمده، در برابر جوانان به‌پاخاسته، در برابر زنان و دختران جسور و آزاده، چوبه‌های دار را برپا می‌دارند و قاضیان مرگ پی‌درپی احکام اعدام صادر می‌کنند.

به این درنده‌خویان از گور برخاسته اعلام می‌کنیم که اعدام شما را نجات نخواهد داد. اعدام ما مردم را از انقلاب کردن عقب نخواهد راند. اعدام و جنایت و آدم‌کشی خشم ما را بیش‌ازپیش فوران خواهد داد. چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

شما جلادان می‌دانید و بارها اعتراف کرده‌اید که انقلاب ما مردم ویژه است و در برابر هیچ جنایتی سر ایستادن ندارد. پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آذر ۱۴۰۳، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۴



خشونت علیه زنان و زن‌ستیزی اسلامی تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه پاسخ کانال جدید

سوداندوزی بیشتر (حتی در پیشرفته‌ترین جوامع صنعتی امروز زنان در ازای کار برابر مزد یا حقوق کمتری از مردان دریافت می‌کنند)، و در سطح سیاسی و اجتماعی ابزاری برای در انقیاد نگاه‌داشتن نه تنها ۵۰ درصد بلکه کل جامعه. مردسالاری یکی از ارزش‌ها و یکی از نمادهای قدر قدرتی دیکتاتورها در همه جای دنیا است چرا که جامعه طبقاتی مرد را به سمبل قدرت و سلطه تبدیل کرده است.

این سلطه سیاسی - طبقاتی در سطح روابط شخصی، ترجمه می‌شود به سلطه مردان خانواده بر زنان. یک روز فاجعه‌آمیز این امر قتل زنان در خانواده‌ها است که به آمارش اشاره کردید ولی حتی ابعاد تکان‌دهنده‌اش دیده نمی‌شود و به‌ویژه در جوامع اسلام‌زده به‌عنوان قتل ناموسی مجاز و حتی یک ارزش اخلاقی شمرده می‌شود. در کشورهای دیگر هم به‌طور جدی و جامعی با این تراژدی مقابله نمی‌شود. مثلاً سقط جنین و در واقع قتل دختران هنوز به دنیا نیامده که به آن اشاره کردید هیچ‌جا مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد.

نکته دیگر اینکه قتل فجیع‌ترین شکل اعمال خشونت علیه زنان است اما این مسئله ابعاد گسترده‌تری دارد. اعمال خشونت به زنان حتی در جوامع صنعتی و به‌اصطلاح پیشرفته نیز رواج دارد. مثلاً ضرب و شتم زنان و کتک‌زدن زنان در خانواده‌ها حتی در جوامع پیشرفته‌های که انسان‌تصورش را هم نمی‌کند امر رایجی است. حتی در کشوری مثل سوئد اعمال خشونت خانوادگی نظیر ضرب و شتم و کتک‌زدن زنان آمار بالایی دارد.

اینها همه نمونه‌هایی است از آن ارزش‌های کپک‌زده در دنیای ما. گرچه در صدسال اخیر جنبش برای رهایی زنان پیشرفت‌های زیادی داشته ولی هنوز فرهنگ مردسالارانه و خشونت و تبعیض جنسیتی علیه زنان بیداد می‌کند. هنوز زنان، نه‌تنها زنان بلکه همه مردم آزادی‌خواه، مبارزه گسترده‌ای را پیش رو دارند برای اینکه این لکه ننگ تاریخ بشری را پاک کنند.

حسن صالحی: حتی در جنگ‌ها هم زنان مورد تعرض جنسی و تجاوز قرار می‌گیرند خوب است به این اشاره‌ای داشته باشیم ...

حمید تقوایی: بله تجاوز به زنان در جنگ‌ها یک تاکتیک و شیوه رایج برای مقهور کردن و

حسن صالحی: شنبه پنجم آذرماه برابر با بیست و پنجم نوامبر، روز جهانی منع خشونت. علیه زنان است. به این مناسبت از بیست و پنجم نوامبر تا دهم دسامبر، روز جهانی مبارزه برای حقوق بشر، ۱۶ روز نارنجی با تم مقابله با خشونت اعلام شده است. در این مصاحبه به مسئله خشونت علیه زنان در جهان و به‌ویژه در ایران می‌پردازیم.

حمید تقوایی سازمان ملل به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان گزارشات متعددی منتشر کرده است. من جمله گفته‌اند که خانه خطرناک‌ترین مکان برای زنان و دختران است. و آمار تکان‌دهنده‌ای در مورد آمار کشته‌شدن زنان در خانه طی سال گذشته ذکر کرده‌اند: در آفریقا ۲۱۸۰۰ نفر زن قربانی شده‌اند که بالاترین تعداد جنایت زن‌کشی در دنیاست. در ردیف بعدی قاره آسیا قرار دارد با ۱۸۵۰۰ مورد، قاره آمریکا با ۸۳۰۰ مورد، اروپا با ۲۳۰۰ و اقیانوسیه با ۳۰۰ قربانی. در این گزارش گفته شده بیشتر زنانی که در اروپا و آمریکا، در خانه کشته شده‌اند توسط شرکای زندگی‌شان به قتل رسیده‌اند. این تنها جلوه و گوشه‌ای از خشونت علیه زنان هست. من در گزارشی هم خواندم که جهان امروز با فقدان ۱۰۰ میلیون زن روبرو است که می‌توانستند به دنیا بیایند ولی دقیقاً به‌خاطر جنسیتشان سقط شدند. بسیاری هم که شانس تولد داشتند در همان سنین کودکی متأسفانه به قتل رسیدند.

چرا؟ ریشه این فاجعه چیست؟ گرچه این امر می‌تواند دلایل متفاوتی در هر منطقه داشته باشد ولی این زن‌ستیزی جهانی از کجا ناشی می‌شود؟

حمید تقوایی: وجه مشترک خشونت علیه زنان مردسالاری است که اساساً و در درجه اول در مذاهب و بعد در تفکرات نژادپرستانه، تفکرهای ناسیونالیستی، در تفکرهایی که بین انسان‌ها بر اساس رنگ پوست و نژاد و ملیت و جنسیت و غیره تبعیض قائل‌اند، وجود دارد و حفظ و تقدیس می‌شود. به این معنا دنیا از نظر فرهنگی و از نظر سیستم ارزشی مردانه چیده شده است. دنیا مردانه است و در خیلی از موارد، حتی زنان، به طور ناخودآگاه، زن را جنس درجه دوم می‌دانند.

این مردسالاری در تاروپود جوامع طبقاتی تنیده شده است و در منافع طبقاتی ریشه دارد. اقلیتی که مالک بخش اعظم ثروت جامعه است، قدرت را در دست دارد، ارتش‌ها را در دست دارد و جوامع را کنترل می‌کند از زن‌ستیزی ابزاری می‌سازد برای حفظ قدرت خود، از نظر اقتصادی برای

خشونت علیه زنان و زن‌ستیزی اسلامی

از صفحه ۲

برخورد به زن به‌عنوان برده جنسی مردان معنایی ندارد. و همه اینها یعنی به‌رسمیت‌شناسی حق انحصاری مالک زن در استفاده از این کالا. همانطور که حجاب یعنی بسته‌بندی امن این کالا.

این فرهنگ نه‌تنها مردسالارانه است، نه‌تنها مرد را برتر می‌داند، نه‌تنها طرف خطاب همه آیات و احادیث مردان هستند، و به مرد می‌گوید در برخورد به زن چه بکن و چه نکن، بلکه معتقد است زن برای لذت‌جویی مرد آفرید شده است و همه ارزش‌ها و قوانین و احکامش بر این پایه مبتنی است.

اجازه بدهید نمونه‌ای از معنی عملی نگاه بزن به‌عنوان برده جنسی. مرد ذکر کنم تا موضوع بیشتر روشن بشود. در قوانین اسلامی تمکین جنسی زن به شوهر اجباری است. زن موظف و مجبور است هر وقت شوهرش اراده کند با او هم‌بستر شود حتی اگر تمایلی نداشته باشد. این اجبار در نظام‌هایی که بوی از تمدن برده‌اند مصداق تجاوز جنسی است. است و جرم محسوب می‌شود. ولی در جمهوری اسلامی بر عکس زنی که به این تجاوز تن ندهد مجرم است! چند هفته پیش خبری در رسانه‌های ایران منتشر شد که دادگاه زنی را به‌خاطر عدم تمکین جنسی به شوهرش محکوم کرده و حتی مأموری را به خانه آنها اعزام کرده تا مطمئن شود این تجاوز صورت می‌گیرد! اینجا متجاوز جنسی در واقع خود حکومت است.

این تنها یک نمونه است که نشان می‌دهد در ایران عامل اصلی زن‌ستیزی فرهنگ و عقاید مردسالارانه نیست، بلکه حکومتی است که زن را ابزار لذت‌جویی و برده جنسی. زن می‌داند و قانون و نیروهای انتظامی‌اش را برای اعمال این بردگی جنسی بکار می‌گیرد.

حسن صالحی: شما می‌گویید خشونت و کلاً زن‌ستیزی در ایران امری دولتی قانونی است. آیا به نظر شما در این میان فرهنگ و تعصبات مردسالارانه هیچ جایگاهی ندارد؟ مثلاً فرض کنید در

قوانین جمهوری اسلامی زن نصف مرد ارث می‌برد. آیا نمی‌شود در بین خانواده‌ها وقتی که ارث تقسیم می‌کنند مردم این قانون را عملاً زیر پا بگذارند و ارث را به‌تساوی تقسیم بکنند؟

حمید تقوایی: خوب، برخی هم همین کار را می‌کنند. کم نیستند کسانی که وصیت می‌کنند و مایملکی که از آنها بجا مانده را به‌تساوی تقسیم می‌کنند. ولی این امر به این معنی نیست که فرهنگ مردسالارانه از جامعه رخت بر بسته است. این فرهنگ در ایران نیز مثل هر جای دیگر دنیا همواره وجود داشته است. منتهی به‌قدرت‌رسیدن جمهوری اسلامی باعث شده این فرهنگ به فرهنگ رسمی و دولتی تبدیل شود، تقدیس و تبلیغ بشود و از منبر و محراب و رسانه‌های حکومتی مدام این فرهنگ ارتجاعی را اشاعه بدهند و در مقابل، هر معترضی به بی حقوقی زنان را به هزار و یک عنوان تحت فشار قرار بدهند، دستگیر کنند و سرکوب کنند. جمهوری اسلامی در واقع بر این فرهنگ سوار شده و آن را تقویت کرده و گسترش داده است.

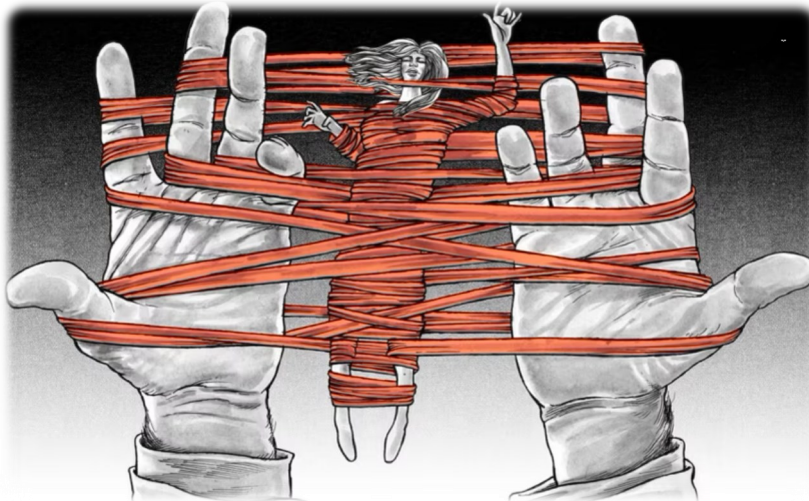
طبقه حاکمه ایران و دولت‌های غربی تحت فشار انقلاب ۵۷ ناگزیر شدند یک عده آخوند تا مغز استخوان متحجر و مافوق ارتجاعی در حاشیه‌ای‌ترین بخش جامعه ایران قبل از انقلاب را به جلو برانند و آن باورهای کپک

به شکست کشاندن دشمن است. ولی حتی در زمان صلح هم تجاوز جنسی یکی از پروژات شایع اعمال خشونت نسبت به زنان است. همین اواخر جنبش "می تو"، که در آمریکا و خیلی از کشورها شکل گرفت، همین را هدف قرار داده بود. تجاوز جنسی و آزار جنسی علیه زنان هم متأسفانه امری جهانی و مبتلابه همه کشورهاست.

حسن صالحی: خشونت علیه زنان وقتی که به ایران می‌رسد ابعاد وحشتناکی پیدا می‌کند. این را چطور توضیح می‌دهید؟

حمید تقوایی: خشونت علیه زنان که در دنیا اساساً امری فرهنگی و مردسالارانه است در ایران قانون است. کلاً زن‌ستیزی در جمهوری اسلامی رسمیت پیدا کرده و به امری حکومتی تبدیل شده. حتی قتل‌های ناموسی در ایران عملاً مجاز است و از نظر حکومت یک ارزش اخلاقی شمرده می‌شود. اگر هم مجازات و کیفی در پی داشته باشد بسیار جرم سبکی محسوب می‌شود.

اما اعمال خشونت تنها یک جنبه از زن‌ستیزی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی عامل



بی‌حقوقی مفرط و تبعیض قانونی فاحش علیه زنان در همه جنبه‌ها، از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حتی روابط شخصی، است. در اینجا نفی ابتدایی‌ترین حقوق مدنی و تحقیر و توهین زنان امری هر روزه است: زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر طلاق بگیرد، بدون اجازه قیم مرد مسافرت کند، نمی‌تواند به ورزشگاه‌ها برود، نمی‌تواند حتی آواز بخواند، نمی‌تواند

لباس دلخواه خود را بپوشد و بسیاری از بی‌حقوقی‌ها و محرومیت‌های دیگر. خشونت کلمه‌ای نیست که ابعاد و عمق این فاجعه را بیان کند. مسئله بر سر تحقیر و توهین و بی‌حقوقی و محرومیت مفرط زنان است و تمام اینها در جمهوری اسلامی امری سیاسی - دولتی است. البته زمینه‌های فرهنگی هم مثل همه جای دنیا در ایران وجود دارد ولی به‌جز در ایران و یا در کشورهای تحت سلطه نیروهای اسلامی نظیر افغانستان، ما با چنین زن‌ستیزی گسترده‌ای روبرو نیستیم. در این نوع کشورها اساس مسئله سیاسی - حکومتی است و نه فرهنگی.

این نکته را نیز باید تأکید کرد که از نظر فرهنگی هم جمهوری اسلامی بسیار عقب‌تر از فرهنگ جامعه است. در فرهنگ اسلامی زن رسماً گالای جنسی محسوب می‌شود. بر پوشش زن تأکید می‌کنند به‌خاطر اینکه می‌خواهند این کالا را از چشم نامحرمان، کسانی که اجازه استفاده از آن را ندارند، محفوظ بدارند. پوشش می‌خواهیم که ناگزیریم با این زیان در مورد زنان صحبت کنم ولی این یک رکن شریعت اسلامی است. قرآن زنان را کشتار مردان می‌داند و عدم تمکین جنسی زنان به شوهرانی که حتی حق جداسدن از او را ندارند، جرم محسوب می‌کند. از یک‌سو زن حق طلاق ندارد، مجبور است به شوهرش تمکین کند، و از سوی دیگر اگر زنی رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته باشد مستحق سنگسار است. این به‌جز

خشونت علیه زنان و زن‌ستیزی اسلامی

از صفحه ۳

زده‌ای که در حجره‌های قم و مشهد جا خوش کرده بود را تبدیل کنند به فرهنگ رسمی و دولتی جامعه. در نتیجه گرایش مردسالارانه یا ضد زنی هم که در تفکر بخشی از مردم وجود داشت زمینه پیدا کرد و عود کرد. به عقیده من بدون جمهوری اسلامی نه تنها قطعاً زنان در ایران موقعیت بسیار بهتری داشتند، بلکه فرهنگ مردسالارانه و بسیاری از قوانین تبعیض آمیز که در زمان شاه هم وجود داشت از جامعه جارو می‌شد.

جامعه ایران جامعه‌ای است که همیشه به استقبال مدرنیسم رفته است، از زمان انقلاب مشروطه تا امروز. از این نقطه نظر نیز جمهوری اسلامی عقب گرد فاحشی. در جامعه بود. مردم مقابل این حکومت از همان روز اول ایستادند و مقاومت کردند و رژیم نه با سم پاشی فرهنگی، بلکه با سرکوب و بگرویبند توانست خود را سر پا نگه دارد. در واقع به همان اندازه که زن‌ستیزی به فرهنگ حکومتی تبدیل شده فرهنگ پیشرو ضد تبعیض جنسیتی نیز در جامعه رواج بیشتر یافته است. شعار امروز دیگر جهانی زن زندگی آزادی شاهد این مدعا است.

این نکته را هم باید تأکید کرد که حتی از نظر حکومت جمهوری اسلامی نیز زن‌ستیزی صرفاً یک امر عقیدتی - فرهنگی نیست بلکه یک ابزار سیاسی برای سرکوب جامعه است. زن‌ستیزی برای رژیم، نظیر شعار مرگ بر شیطان بزرگ، امری صرفاً عقیدتی نیست بلکه وسیله‌ای برای کنترل جامعه و اعمال سلطه جهانی خود نه تنها بر زنان بلکه به کل مردم است. از این رو می‌توان گفت در میان دارودسته حاکم هم نیز زن‌ستیزی و اعمال خشونت نسبت به زنان امری سیاسی است و نه فرهنگی و عقیدتی.

حسن صالحی: اجازه بدهید به راه‌های مقابله با خشونت و تبعیض علیه زنان هم بپردازیم. بعضاً این بحث مطرح می‌شود که باید از خانه شروع بکنیم و نسبت به تبعیض و نابرابری و خشونت علیه زنان در خانواده‌ها اعتراض بکنیم. در این مورد چه نظری دارید و کلاً رهنمود شما برای مقابله با خشونت چیست؟

حمید تقوایی: این نظر که از خانه شروع کنیم و بعد به جامعه برسیم راه معکوسی را نشان می‌دهد. همانطور که توضیح دادم این مسئله در خانه ریشه ندارد بلکه در حکومت ریشه دارد. بله در خانواده هم این تبعیضات را می‌بینیم ولی برای مقابله با آن ابتدا باید حکومت را برکنار کرد. مسئله زن در جمهوری اسلامی مسئله‌ای سیاسی - قانونی - حکومتی است و لذا راه حل آن نیز در گرو جارو کردن حکومت است. حتی مقابله فرهنگی با مردسالاری و فرهنگ عقاید ضد زن در گام اول مستلزم خلاصی از شر زن‌ستیزان حاکم است. مقابله با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن وقتی کارساز و موفق خواهد بود که ابتدا از شر جمهوری اسلامی خلاص شویم. حتی اگر امروز در خانواده‌ها خشونت بیشتری می‌بینید دلیلش این نیست که مردان ناگهان بیشتر برتری طلب شده‌اند. علت این است که حکومت بیشتر از حکومت‌های گذشته زن‌ستیز شده است و در نتیجه این فرهنگ نیز زمینه رشد پیدا کرده است.

نکته بعدی این است که مبارزه با زن‌ستیزی امر فقط زنان نیست، بلکه امر همه آزادی خواهان است. وقتی زنی به خاطر بدحجابی شلاق می‌خورد، این شلاق است بر تن همه مردم ایران، و حتی مردم جهان. این خشونت، این توهین، این تحقیر علیه زنان فاجعه‌ای است علیه انسان و انسانیت.

زنان طبعاً در محور مبارزه علیه زن‌ستیزی هستند. ولی شعار زن زندگی آزادی با این سه کلمه اعلام می‌کند که مسئله زن گره خورده است به زندگی و به آزادی همه جامعه. نشان می‌دهد که انقلاب تنها بر سر آزادی زنان نیست بلکه هدفش رهایی کل جامعه است.

مقابله با خشونت علیه زنان نیز امری است که مستقیماً مربوط می‌شود به زندگی همه مردم ایران و مربوط می‌شود به آزادی کل جامعه.

حسن صالحی: به انقلاب زن زندگی آزادی اشاره کردید. این انقلاب تا همین جا چه در عرصه سیاسی و چه از نظر مقابله با زن‌ستیزی حکومت چه دستاوردهایی داشته است؟ به نظر شما چگونه این دستاوردها حاصل شده است و چگونه می‌توان پیشروی‌های بیشتری داشت؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم کار مهمی که انقلاب زن زندگی آزادی کرد این بود که مبارزه برای رهایی زن را با مبارزه برای زندگی و آزادی پیوند داد. و این پیوند امری واقعی است. نمی‌توان تصور کرد که جامعه‌ای آزاد باشد ولی زن حق طلاق نداشته باشد، حق انتخاب لباس خود را نداشته باشد، حق مسافرت نداشته باشد، حق آواز خواندن نداشته باشد، حتی حق به ورزشگاه رفتن را نداشته باشد. چنین جامعه‌ای قابل تصور نیست. از این رو مهم‌ترین دستاورد سیاسی جنبش انقلابی که با قتل مهسا امینی آغاز شد پیوند دادن مسئله زن به زندگی و به آزادی کل جامعه است.

نکته بعدی شیوه‌های مبارزاتی مؤثری است که عمدتاً زنان در پیش گرفته‌اند. بینید تابوها، یا به قول حکومتی‌ها "هنجارها" ای وجود دارد که حفظ آنها برای حکومت کاملاً حیاتی و حیثیتی است. و زنان در زندگی روزمره خود این تابوها را در هم می‌شکنند. برداشتن عملی حجاب‌ها در زندگی روزمره یک نمونه موفق این نوع مبارزه است. بی‌حجابی که امروز به امر رایجی تبدیل شده در اثر اعتصاب یا تظاهرات‌های گسترده حاصل نشده است بلکه زنان در زندگی هر روزشان حجاب را کنار گذاشتند. نمونه دیگر در هم شکستن عملی آپارتاید جنسیتی است با رقص و پایکوبی زنان و مردان در خیابان‌ها و در ملاعام به مناسبت‌های مختلف.

آخرین نمونه اعتراض عریان آهو دریایی است که به نظر من به چالش کشیدن نگاه به زن به عنوان کالای جنسی و برده جنسی مردان است. آهو دریایی با حرکت جسورانه خود کل فلسفه اسلامی زن ناموس مرد است و باید از چشم نامحرمان پوشیده بماند را درهم شکست.

به این ترتیب شکستن عملی تابوها، امری که نافرمانی مدنی نامیده می‌شود ولی به نظر من تابوشکنی نام بهتری برای آن است، در زندگی عادی و هر روزه تبدیل می‌شود به عرصه مبارزه کارساز و مؤثری علیه حکومت.

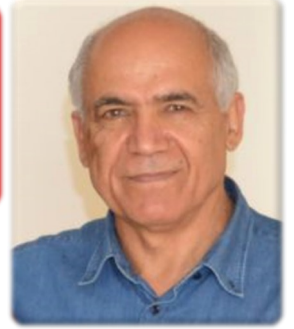
همه این موارد به روشنی نشان می‌دهد که در زندگی روزمره ما می‌توانیم نمادها و مصادیق زن‌ستیزی را درهم بشکنیم. این یک شیوه مؤثر مبارزه است که می‌توان و باید به شکل گسترده‌تر و جامع‌تری علیه همه مصادیق زن‌ستیزی حکومت آن را بکار گرفت.

از نظر عملی و میدانی این شیوه مبارزه کارساز است و خوشبختانه جامعه در این جهت حرکت می‌کند و اساساً با همین شیوه در عرصه مبارزه با حجاب زنان پیشروی مهمی داشته‌اند. علیه مصادیق دیگر آپارتاید جنسیتی نیز می‌توان با همین شیوه تابوشکنانه دستاوردهای بیشتری داشت.

۹ آذر ۱۴۰۳، ۲۹ نوامبر ۲۰۲۴



آتش بس در لبنان نقطه عطفی در موقعیت اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی



اصغر کریمی

انترناسیونال: موقعیت جمهوری اسلامی پس از آتش بس در لبنان چگونه می بینید؟

اصغر کریمی: آتش بس به نظرم کلمه رسایی در این مورد نیست. توافق میان اسرائیل و لبنان در روز ۲۷ نوامبر (۷ آذر) اساساً تسلیم حزب الله در مقابل اسرائیل بود که در نتیجه آن حزب الله به موقعیتی کاملاً متفاوت از گذشته رانده شد. این یک رویداد بسیار مهم سیاسی و انسانی در این دوره، یکی از تحولات مثبت این دوره و شروع تغییرات سیاسی قابل توجهی در خاورمیانه است. از نظر انسانی پایان کشتار جنایت کارانه مردم بی دفاع لبنان توسط ارتش اسرائیل، پایان خانه خرابی مردم و آوارگی یک میلیون مردم لبنان و دهها هزار نفر در اسرائیل است. از نظر سیاسی نیز تحول مهمی در موازنه قوای جدید در لبنان، در موقعیت اسلام سیاسی در منطقه و در موقعیت جمهوری اسلامی است. هر چند امکان نقض آتش بس از جانب هر دو طرف و شروع مجدد جنگ را نباید کاملاً منتفی دانست اما حتی نفس امضای این توافق شکست سیاسی و تاریخی برای حزب الله و جنبش اسلام سیاسی محسوب می شود. حزب الله به یک قرارداد تماماً تسلیم طلبانه در مقابل دولت اسرائیل تن داده و همین برای ایجاد بحرانی عمیق در این نیرو کافی است. شکست حزب الله نقطه عطف مثبتی در تحولات سیاسی لبنان خواهد بود و در اسرائیل نیز امکان می دهد که زمین زیر پای جناح راست افراطی سست شود. این جناح عملاً از وجود جریانات تروریست اسلامی تغذیه می شود و با تضعیف نیروهای اسلام سیاسی توجیهاتش را از دست می دهد.

حزب الله پس از جمهوری اسلامی مهم ترین جریان اسلام سیاسی در خاورمیانه به شمار می رود یا به شمار می رفت که مستقیماً با کمک های مالی، نظامی و سیاسی بی دریغ جمهوری اسلامی به نیروی با بیش از پنجاه هزار فرد مسلح در یکی از کشورهای مهم خاورمیانه تبدیل شد و علی رغم اینکه در سال ۱۹۹۱ به دنبال پایان جنگ داخلی در لبنان کلبه نیروهای مسلح غیردولتی در این کشور منحل شدند، حزب الله به حضور نظامی خود ادامه داد و روزیروز موقعیت ویژه تری پیدا کرد و به معضلی اساسی برای جامعه لبنان تبدیل شد. با شروع جنگ در غزه حزب الله با حمایت جمهوری اسلامی به حمایت از حماس برخاست و با موشک باران اسرائیل جبهه دیگری علیه این کشور ایجاد کرد. ضربات سنگینی که در ماه های گذشته در مقابل ارتش اسرائیل متحمل شد از جمله کشته شدن حسن نصرالله که مهم ترین چهره اسلام سیاسی محسوب می شد و قتل بسیاری دیگر از فرماندهان و رهبران نهیاً تن به یک آتش بس کاملاً تسلیم طلبانه داد. این دیگر حزب الله سابق نیست. هر چند به حضور خود در لبنان ادامه می دهد اما اهمیت حزب الله مانند همه نیروهای دیگر اسلام سیاسی قدرت نظامی و توان دخالت نظامی در مقابل اسرائیل و در حمایت از سیاست های جمهوری اسلامی بود. با این قرارداد دندان حزب الله کشیده شد و موقعیتش دگرگون شد. هر چند حزب الله تلاش می کند خود را بازسازی کند و از طریق فعل و انفعالات سیاسی در لبنان نقش ایفا کند اما دورنمایی برای تبدیل مجدد آن به نیروی شبیه موقعیت تاکنونی اش وجود نخواهد داشت. هم به دلیل ضرباتی که خورده، هم مفاد قرارداد و هم مهم تر به علت موقعیت روبه زوال جمهوری اسلامی که تکیه گاه اصلی آن است.

جنبش اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی تروریست و ارتجاعی در چند دهه گذشته یک بازیگر صحنه سیاسی بوده و موجب عقب گرد های سیاسی و فرهنگی قابل توجهی در بسیاری کشورها شده است. اکنون پس

از این شکست های پی در پی در سرایشی افول قرار گرفته و توازن قوای جدیدی بین نیروهای سیاسی منطقه ایجاد می کند و کل منطقه را دستخوش تحولات مهمی خواهد کرد.

تا جایی که به جمهوری اسلامی مربوط می شود این شکستی استراتژیک و مهم ترین شکست آن در منطقه محسوب می شود. جمهوری اسلامی چاره ای جز موافقت با این قرارداد که به ابتکار دولت های آمریکا و فرانسه انجام شد نداشت و همانطور که انتظار می رفت از آن به عنوان اقدامی مثبت و رسانه های حکومتی حتی به عنوان پیروزی حزب الله اسم بردند. نیروهای نیابتی و در رأس آنها حزب الله مهم ترین ابزار چانه زنی جمهوری اسلامی در مقابل دول غربی و آمریکا و مهم ترین ابزار دخالت جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه بود. اما علاوه بر حزب الله، حماس و جهاد اسلامی نیز شکست سنگینی متحمل شده و با شکست حزب الله یک پشت پویه دیگر را هم از دست داده اند. در سوریه نیز جمهوری اسلامی مدت ها است جایگاهش را از دست داده است. جمهوری اسلامی در واقع یکی از ارکان مهم بقای خود را از دست داده است. این نقطه عطفی در موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و در سطح بین المللی و همین طور و اساساً در تقابل با مردم در داخل کشور است.

با این شکست، بحران سیاسی جمهوری اسلامی در داخل تشدید می شود. حکومتی که نعره به دریا ریختن اسرائیل سر می داد اکنون مجبور به موافقت با قراردادی شده، که نه عزت بلکه ذلت تمام عیار در مقابل این دشمن محسوب می شود. این شکست را باید در کنار نفوذ اطلاعاتی اسرائیل در بالاترین سطوح حکومت، ضربات نظامی به برخی مراکز مهم نظامی جمهوری اسلامی و ناتوانی جمهوری اسلامی در پاسخ متقابل و ترور هنیه در ایران و از طریق نیروهای اسرائیلی در داخل کشور گذاشت. این فاکتورها تأثیرات عمیق و شکننده ای در سطوح مختلف حکومت و نیروهای آن خواهد گذاشت و گذاشته است.

در مقابل این شرایط، رژیم شروع به گفتمان تغییر در دکترین اتمی خود کرده است. اما این طبل حتی تو خالی تر از به دریا ریختن اسرائیل است. در این مورد کل کشورهای غربی در مقابل جمهوری اسلامی موضع قاطعی دارند و حتی چین و روسیه نیز به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه های اتمی جمهوری اسلامی رأی موافق داده اند. اینکه جمهوری اسلامی به این تهدید روی آورده چیزی جز استیصال آن نیست. جمهوری اسلامی ابزار نیروهای نیابتی را از دست داده و ابزارهای دیگرش از جمله موشک پرانی به اسرائیل را امتحان کرده و نتیجه ای نگرفته است. طبیعی است که غرب از این فرصت برای گرفتن امتیازات بیشتر از حکومتی که بال و پرش قیچی شده است استفاده می کند. درخواست مذاکره با دولت ترامپ، ترامپی که مهم ترین فرمانده حکومت را به قتل رسانده و قرار بود به سزای اعمالش برسد، محصول وخامت موقعیت جمهوری اسلامی است.

اما بحران حکومت فقط به این فاکتورها محدود نیست. بحران اصلی حکومت در داخل کشور است، جایی که قرار است مردم با آن تعیین تکلیف کنند. وضعیت اقتصادی حکومت از یکطرف و اعتراضات رو به گسترشی که جامعه را در آستانه خیزشی دیگر قرار داده است از طرف دیگر، جمهوری اسلامی را در بن بست عمیقی قرار داده است و شکست در لبنان و کل منطقه به تشدید و تعمیق فوری بحران های آن منجر خواهد شد. این مهم ترین وجه این تحولات است که چشم انداز جدیدی در مقابل مردم ایران و جنبش زن، زندگی، آزادی قرار داده است.

۲۹ نوامبر ۲۰۲۴

لجن پراکنی به جای نقد سیاسی پاسخی به حمله کنندگان به حزب کمونیست کارگری



خلیل کیوان

شمس در این گفتگو اشاره دارد به اینکه نتانیاهو اسم انقلاب زن زندگی آزادی را به زیان آورده است. می گویند این برای انقلاب ما منفی است.

در پاسخ این دوستان باید گفت اولاً شیرین شمس در قامت یک پرسشگر و یک ژورنالیست ظاهر می شود و پرسشی را طرح می کند که بر بالای سر جامعه چرخ می زند. درحالی که این پیام و پیام قبلی نتانیاهو در ذهنیت مردم ایران جای بزرگی را اشغال کرده است، نپرداختن به آن عجیب میاید. ذهنیت جامعه برای فرقه ها اما مهم نیست.

دوماً حمید تقوایی در این بحث تأکید می کند که سرنگونی جمهوری اسلامی کار مردم ایران است. و می گوید این را نتانیاهو و ترامپ و دولت ها هم متوجه شده اند و می گوید رژیم چنچی در کار نیست. ما باید مبارزه خودمان را پیش ببریم. اگر دولت ها برای طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی گام بردارند - چیزی که ما می خواهیم و مردم ایران می خواهند - چه ایرادی دارد؟ و او اضافه می کند که همه اینها تأثیر خیابان و قدرت انقلاب مردم است که به کسانی مثل نتانیاهو و ترامپ هم دیکته شده است. و نهایتاً حمید تقوایی می گوید بر استقلال مبارزه مردم باید اتکا داشت و این تعیین کننده است.

حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی مطالب و اطلاعیه های متعدد و برنامه های تلویزیونی زیادی در مورد مسئله فلسطین، جنگ غزه و نسل کشی فلسطینی ها داشته اند. سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال جنگ غزه در دسترس اند. علاقه مندان را به مطالعه آنها برای درک بهتر سیاست ها و مواضع حزب کمونیست کارگری ایران دعوت می کنیم.

در صفحات این دوستان به نکاتی که طرح کرده اند پاسخ داده شده است. در اینجا به دو ویژگی بارز این دوستان می پردازیم. یکم، ایدئولوژیک شدن بیش از پیش آنها و دوم، به ابتدال کشیدن نقد سیاسی.

۱- فرقه های سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک

فیلم "زندگی برایان" ساخته گروه مانعی پایتون در سال ۱۹۷۹ یکی از ماندگارترین کمدی های تاریخ است. فیلم در ژانر کمدی سیاه هجوآمیز بر بستر تاریخ باستان و مبارزه علیه امپراطوری روم ساخته شده است و با طنزی عمیق و گزنده به نقد مسائل مذهبی و اجتماعی می پردازد. این فیلم در عین حال به عنوان یکی از تیزترین و هوشمندانه ترین نقدها در مورد گروه های سیاسی چپ، فرقه گرا و عملکرد و انشعابات درون آنهاست. داستان فیلم اگرچه تاریخی - فلسفی و تخیلی است اما از نظر متد به مسائل و بحث های واقعی درونی گروه های چپ می پردازد. فیلم شخصیت ها و موقعیت هایی را هجو می کند که به طور شگفت انگیزی قابل تعمیم به گروه های فرقه ای عصر حاضر و بخشی از چپ غیرسیاسی و کلیشه ای ایران هم هست.

زندگی برایان در باره تناقضات درونی گروه ها، سوء تفاهات، تعصبات، خودنمایی ها و خودخواهی های فردی و حتی شخصی سازی امر مبارزه است. در این فیلم دو گروه "جبهه خلق یهودیه" و "جبهه مردم یهودیه" که مثل برخی گروه های ایرانی تشخیصشان از یکدیگر هم کار کارشناسی لازم دارد، مشغول ستیز و خصومت های مضحک با یکدیگرند. اینان گروه هایی هستند که شعار می دهند، مراسم نمادین برگزار می کنند اما قادر به انجام اقدامات مؤثر برای تغییر نیستند.

داستان این فیلم برای ما آشناست. شباهتی با بخش اعظم انشعاب های گروه های چپ در ایران و مشغله های ناتمام و درگیری درونی آنها دارد. فیلم اگرچه مایه انبساط خاطر بیننده است اما قصه جدال های درونی گروه های چپ کسل کننده و موجب دل سردی با پیامدهای منفی است. احزاب انشعابی موسوم به "حکمتیست" شباهت عجیبی به داستان زندگی برایان دارند. به ویژه از نظر متد و شیوه های مبارزه نظری. گهگاه عباراتی از یک متن یا سخنرانی را بیرون می کشند، زیر ذره بین می گذارند، دور آن سینه می زنند چیزهایی

به دنبال این مقدمه دو مطلب تحت عنوان "فرقه های سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک" و همچنین "سلاح نقد، ابتدال نقد" که در پاسخ به لجن پراکنی ها علیه حزب کمونیست کارگری ایران است را ملاحظه می کنید.

در روزهای گذشته از سوی برخی محافل و افراد از جمله محمود قزوینی، رحمان حسین زاده و اسد گلچینی در صفحات شخصی شان در فیس بوک مطالبی علیه حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی منتشر شده است. دوستان ما به بهانه گفتگوی شیرین شمس با حمید تقوایی در کانال جدید در مورد پیام نتانیاهو به مردم ایران و همچنین اطلاعیه حزب در باره صدور حکم جلب نتانیاهو از طرف دیوان کیفری بین المللی به ما تاخته اند.

محمود قزوینی در مطلبی تحت عنوان "حکومت انسانی در فاز پراتیک ضد انسانی" می گوید حزب کمونیست کارگری، حمید تقوایی و کادرهای آن چشم بر جنایات فلسطین بسته اند و اضافه می کند اشاره نتانیاهو به انقلاب زن زندگی آزادی بر خلاف گفته حمید تقوایی نه به خاطر قدرت مبارزه مردم بلکه به حساب "ضعف جنبش مردم ایران" باید نوشته شود.

[https://www.facebook.com/photo?](https://www.facebook.com/photo?fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545https://www.facebook.com/photo?fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545)

[fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545https://www.facebook.com/photo?](https://www.facebook.com/photo?fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545)

[fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545](https://www.facebook.com/photo?fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545)

[fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545](https://www.facebook.com/photo?fbid=9557475504268683&set=a.751124431570545)

رحمان حسین زاده در نوشته ای تحت عنوان در یک نگاه: ائتلاف ترامپ، نتانیاهو و "سورپرایزهای" ارتجاعی پهلوی - تقوایی با شدت و غلظت بیشتری به حزب کمونیست کارگری ایران و حمید تقوایی و شیرین شمس دست به پرخاشگری زده است. رحمان می گوید: "چقدر ننگ است در قامت رهبری یک حزب" چپی با ادعای کمونیستی "بررسی و موشکافی از پیام نتانیاهو فاشیست را از رسانه حزبی برای مخاطبان به عهده بگیری! تا سطح یک مفسر بی مقدار و جانبدار پیام یک عنصر فاشیست تنزل پیدا کنی!!"

<https://www.facebook.com/rahman.husienzade>

اسد گلچینی هم در این کارزار سهمی به عهده گرفت و در یادداشت کوتاهی در صفحه خودش تحت عنوان "نتانیاهو و تقوایی در برابر دادگاه های مختلف" اعلام کرد که "حمید تقوایی و کادرهای این حزب در تلویزیون کانال جدید، از پیام نتانیاهو و تکرار جنبش زن زندگی آزادی، سرمست اند درحالی که، دیوان کیفری بین المللی به دنبال دستگیری نتانیاهو به اتهام جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است". و به دنبال آن اضافه می کنند "سرمست شدن حمید تقوایی و کادرهایش از پیام نتانیاهو صرفاً شناکردن بر خلاف وجدان بشر متمدن و آزادی خواه است! سیاست مربوط به طبقه کارگر و کمونیسم هزار بار پیشکش!"

او یا بیانیه حزب در حمایت و استقبال از محکومیت نتانیاهو را ندیده و یا خود را عامدان به ندیدن زده و عجله داشته است آن حکم را در نقطه مقابل سیاست ما در مورد جنایات اسرائیل در غزه و نسل کشی فلسطینی ها بگذارد تا با وجدانی راحت تر به ما بتازد.

[https://www.facebook.com/photo?](https://www.facebook.com/photo?fbid=1643588209922171)

[fbid=1643588209922171](https://www.facebook.com/photo?fbid=1643588209922171)

لینک ویدئوی گفتگوی شیرین شمس با حمید تقوایی:

[https://www.youtube.com/watch?](https://www.youtube.com/watch?v=8WsLGhfqOYY&t=468s)

[v=8WsLGhfqOYY&t=468s](https://www.youtube.com/watch?v=8WsLGhfqOYY&t=468s)

دوستان ما ایراد می گیرند که چرا به پیام نتانیاهو پرداخته ایم. و چرا شیرین

به دلخواه به مضمون نوشته الصاق می کنند و حکم ارتداد گوینده و نویسنده را صادر و او را تکفیر می کنند. یکی از شاهکارهای اخیر آنها حمله به حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی به بهانه مصاحبه‌ای است که شیرین شمس با حمید تقوایی در کانال جدید داشته است. به دنبال این مصاحبه هجمه‌ای از سوی عده‌ای از جمله محمود قزوینی، اسد گلچینی و رحمان حسین‌زاده علیه حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی شکل گرفت و البته پاسخ هم گرفت.

اینان که تقریباً در هیچ پروژه سیاسی - اجتماعی قابل توجهی حضور ندارند، در عوض پرحرف‌اند. کم‌عمل اما پرمدا هستند. به اینها برخی از تک‌افراد که از دایره تحزب کمونیسم کارگری بیرون قرار گرفته‌اند اما کماکان خود را از مراجع تشخیص خیر و شر کمونیسم کارگری و دیده‌بانان حقیقت و رهبران خودخوانده می‌پندارند را باید اضافه کرد.

اگر مسئله صرفاً شباهت رفتار و شیوه‌های این فرقه‌ها با موضوع فیلم زندگی بریان مطرح باشد، چه بسا باعث انبساط‌خاطر هم باشد، اما متأسفانه چنین نیست. روش‌هایی که این دوستان در سبک فعالیت و به‌ویژه در مبارزه نظری با مخالفانشان بکار می‌برند در آن محدوده تنگی که اینها تأثیر گذارند اثرات مخربی برای چپ و کمونیسم دارد. اولاً نیروی که می‌توانست منشأ اثر مثبتی باشد، با این شیوه‌ها خود را حاشیه‌ای کرده است. دوماً، تا جایی که صدایشان شنیده می‌شود به همان میزان تصویر سکتی از چپ و کمونیسم به جامعه ارائه می‌دهند و مانعی برای اجتماعی شدن چپ و کمونیسم می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های منتقدین موردنظر ما این است که تقریباً در فعالیت‌های اجتماعی حضور قابل توجهی ندارند. پروژه‌های سیاسی و اجتماعی دندان‌گیری در دستورشان نیست. در عرصه‌های مهمی چون علیه اعدام، زندانیان سیاسی، زنان و کودکان و دهها مسئله‌ای که جامعه گرفتار آن است، ردی از آنها نیست و یا حضور مؤثری ندارند. با هیچ احدی مادام که خود را در پرچم‌های قرمز نیچیده باشد، همکاری نمی‌کنند. تلاش و مبارزه انسان‌های شریف و گروه‌های گسترده اجتماعی غیر چپ را به رسمیت نمی‌شناسند و نسبت به تلاش‌های آنها مشکوک‌اند یا به آن اهمیت نمی‌دهند. اصولاً تلاش هیچ‌کس به‌جز رفیق بغل‌دستی هم‌رنگ خودشان را چون به‌اندازه کافی "چپ و رادیکال" نیست، قبول ندارند. در خارج کشور با اعتراضات گسترده و هزاران نفره زن زندگی آزادی که با منویات تئوریک و عقیدتی‌شان همساز نبود، قهر کردند و در عوض با گروه‌های هم‌رنگ خودشان کنار هم قرار گرفتند و آکسیونهای محدودی برگزار کردند و کماکان همین رویه را دنبال می‌کنند.

واقعیت این است که نه جامعه به آنچه این دوستان در مورد ما می‌گویند توجه دارد و نه خودشان اصولاً مخاطبشان را در آنجا جستجو می‌کنند. نقدشان قرار است به رفیق بغل‌دستی‌شان اطمینان دهد که کماکان بر عهد خود در مخالفت با حزب کمونیست کارگری ایستاده‌اند و به برخی از چپ‌ها و مخالفین منفرد و سرگردان در فضای مجازی هم پالس همدلی بدهند و رهگذر از همه‌جایی خبر دنیای مجازی را برای چند صبحی متوجه خود کنند. این دوستان مخاطبین خود را خام فرض کرده‌اند.

دوستان خستگی‌ناپذیر ما هیچ توجهی به سود و زیان خود در حمله به حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی هم ندارند. عقل سلیم حکم می‌کند که انسان نتایج کار خود را گاه بررسی و ارزیابی کند. در مورد منتقدین ما اما چنین چیزی صدق نمی‌کند. گویی وظیفه‌ای و قرارومداری بین خود گذاشته‌اند و مصرند که به آن وفادار باشند، و بعضاً برای اطمینان‌بخشی. به یکدیگر هزارگهی تاخت و تازی علیه ما صورت بدهند. دوستان منتقد حزب کمونیست کارگری حجم قبال توجهی از ظرفیت خود را به‌صورت نوشته‌ها و گفتارها صرف حمله به حزب کمونیست کارگری کرده‌اند. کسی نیست در این میان از خود بپرسد که حاصل بیست سال "نقد" حزب کمونیست کارگری و حمله به حمید تقوایی چه بوده است. نه، مهم این است که این فریضه انجام گردد.

تاریخ کمونیسم کارگری از یک منظر پروسه جدایی از چپ سنتی در عرصه‌های نظری، سیاسی، سازمانی و سبک‌کاری و نگاه به جامعه، تلاش برای اجتماعی شدن و رابطه با قدرت سیاسی بوده است. دوستان ما اما دنده عقب گرفته‌اند. بحث "حزب و جامعه" که عصاره آن راه‌اندازی و یا حضور در پروژه‌هایی در جهت اجتماعی شدن کمونیسم و فعالیت در عرصه‌های گوناگون و عروج شخصیت‌هاست، نزدشان برآمدی ندارد. بحث "سلبی اثباتی" را اساساً به فراموشی سپرده‌اند. نزد اینان "حزب و قدرت سیاسی" به تشکیل قطب چپ تقلیل یافته و به شعاری تبدیل شده و کلاً بی‌خیال قدرت سیاسی شده‌اند. هر تلاش نظری نوولو در عرصه‌های تاکتیکی برای پاسخ برای مسائل جدید را کفرگویی حمید تقوایی و حزب کمونیست کارگری می‌دانند. رفقای دیروز ما در گذشته فریز شده‌اند. روش‌هایی که در نقد بکار می‌برند هم با سنت کمونیسم کارگری همخوانی ندارد. به نظر نمی‌رسد که مایل باشند تغییری در مسیری که رفته‌اند و می‌روند صورت دهند. امیدواریم روزی متوجه وضعیتی که در آن گرفتار شده‌اند، بشوند.*

۲- سلاح نقد، ابتدال نقد

نقد می‌تواند تفاوت‌ها را روشن کند. سایه‌روشن‌ها را نشان دهد. فاصله‌ها را عیان سازد و به این ترتیب امر قضاوت و انتخاب را برای مخاطب قابل فهم‌تر کند. کاری که شما و برخی دیگر در حمله به حمید تقوایی و حزب کمونیست کارگری می‌کنید، نقد نیست. ابتدال نقد است. مغالطه است. از نوع گیردادن، ملاتقطی شدن، مچ‌گیری و نهایتاً افشاگری بر مبنای فاکت‌های خودساخته است. معمولاً یک‌تکه از یک متن را خارج می‌کنید و به یک جمله یا یک پاراگراف گیر می‌دهید که در اغلب موارد همان یک پاراگراف هم مغایر مدعایتان بوده است.

کسی که به دنبال نقد سالم است به این روش‌ها دست نمی‌برد. کلیت یک بحث، استنتاجات، نتایج منطقی و نهایتاً پراتیک را مبنای نقد و قضاوت قرار می‌دهد. اینها اما از شما و شرکا و تأییدکنندگان بیش از حد انتظار است. مواضع و عملکرد شما در جدال‌های جاری با اغماض در جهت پرو مقاومتی‌ها و سواری دادن به آنها بوده است. شما می‌تواند بر اختلافات دست بگذارید و نقد کنید اما مجاز نیستید چیزی از خود به سیاست‌های حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی الصاق کنید و به‌نقد آن بنشینید.

اما ابتدال در نقد فراتر از دایره شماست. ما در مواردی حتی با کسانی روبرو هستیم که در مورد روندهای جاری در فلسطین و لبنان و تقابل اسرائیل و جمهوری اسلامی مواضعی کم‌وبیش شبیه حزب کمونیست کارگری با مقداری سایه و روشن دارند اما به هر بهانه‌ای سنگی به سوی به حزب کمونیست کارگری پرتاب می‌کنند و البته فراموش نمی‌کنند که دشنامی هم نثار حمید تقوایی کنند. به شما و این دسته دوم باید رهگذرانی که در اینترنت روزگار می‌گذرانند و وقتشان را پر می‌کنند و هر جا معرکه‌ای در باره حزب و حمید تقوایی برپا می‌شود سروکله‌شان پیدا می‌شود را اضافه کرد. مخالفت با حزب و حمید تقوایی شما را به سوی هم می‌کشاند و گرنه در حالت سکون اغلب شما در هیچ کتگوری و ظرفی نمی‌توانید کنار هم قرار بگیرید.

شما با شلوغ‌کاری‌های اینترنتی بر یک ضعف پایه‌ای خود هم البته سرپوش می‌گذارید. شما رهبران خودخوانده که خود را در مقام دیده‌بان و مرجع تشخیص مصلحت و خیر و شر حوادث و خوب و بد کمونیسم کارگری می‌بینید به یک رکن مهم کمونیسم و به‌ویژه کمونیسم کارگری که تحزب است، بی‌اعتنا هستید. همین دل‌مشغولی‌های اینترنتی را از شما بگیرند به‌جز استثناهایی منشأ کار جدی نیستید. گردوخاک می‌کنید تا همین ضعف خود را زیر آن استتار کنید.

در این میان اما حملات به حمید تقوایی قابل توجه است. کسانی که در تقابل‌های درونی حزب رهبری او را به مصاف طلبیدند و شکست خوردند، در حمله و هتاک به او سرآمدند. کسانی که زیر پرچم کوروش مدرسی و برای ائتلاف با حجابیان عجله داشتند و متعاقب آن کسان دیگری که ادعای رهبری در حزب را داشتند اما کم آوردند، منزوی شدند و زمین خوردند در این کارزار فعال‌ترند.*

تهدیدات نظامی و هسته‌ای حکومت عین ذلالت است

مهران محبی

بعد از یک سال جنگ ارتجاعی بین اسرائیل و محور موسوم به "مقاومت اسلامی" به سرکردگی جمهوری اسلامی، زیان رژیم اسلامی در نتیجه تحمل شکست‌های سنگین نظامی و ازدست‌دادن توان جمع‌آوری و بازسازی گروه‌های تروریستی تابعه و کسب موقعیت ازدست‌رفته‌اش به‌عنوان پایگاه و قدرت مدعی سهم‌خواهی منطقه‌ای، دچار تغییر و دگرگونی شده و مفاهیم و فحوای متفاوتی نسبت به گذشته را در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ابراز می‌کند.

به دنبال موشک‌پرانی پی‌حاصل جمهوری اسلامی تحت نام "وعده صادق ۲" به اسرائیل و پاسخ متقابل و سنگینی که از طرف اسرائیل دریافت کرد، تقریباً همه سران حکومت به برخوردها و موضع‌گیری‌های در ظاهر متناقض روی آورده‌اند که در باطن یک معنا را در خود دارند. یک‌بار تهدید می‌کنند و چهار بار به التماس می‌افتند. خامنه‌ای خودش در خانه تهدید می‌کند ولی مشاوران و وزیر خارجه‌اش را برای چاپلوسی به این کشور و آن کشور و این جلسه و آن جلسه می‌فرستد تا شاید مغری برای عبور از بن‌بست‌هایی که در برابرش دهان باز کرده‌اند، بیاید و این روند را به‌ناچار تا منجرشدن به رسوایی‌ها و درماندگی‌ها و تسلیم‌شدن‌های بی‌بازگشت و غیرقابل‌جبران برای رژیمشان ادامه خواهند داد.

در شرایط حاضر و سپس در شرایط پیش رو، اوضاع به کلی به ضرر و علیه جمهوری اسلامی است و سرانش به‌خوبی این را درک کرده‌اند که دیگر توان بحران‌آفرینی در منطقه را ندارند و راهی جز تن‌دادن به خواست‌های دولت‌های غربی و حامیان اسرائیل ندارند. در نتیجه می‌کوشند تا ضمن تکرار هارت و پورت‌ها و تهدیداتی که حالا دیگر بی‌خاصیتی و بی‌پایه بودنشان برای تمام دنیا محرز شده، غرب و اسرائیل را راضی کنند.

رهبر درمانده‌ای که مدعی نابودی اسرائیل بود، سرانجام تسلیم شد و خود دستور به تسلیم و خلع سلاح حزب‌الله مطابق تعهدنامه‌ای که تحت عنوان مفاد آتش‌بس با اسرائیل در نتیجه شکست و تارومار شدن این گروه وابسته به خود را صادر نمود و به دنبال آن به وارونه‌گویی برای انکار شکست حزب‌الله پرداخت تا توجیعی برای واکنش نشان‌ندادن در برابر اسرائیل داشته باشد و بیشتر از این زیر فشار و تهدید نظامی اسرائیل قرار نگیرد.

در رده‌های پائین‌تر رژیم هم سیاست کلی تسلیم حکومت در برابر غرب و اسرائیل ضمن تکرار ادعاهای قدرتمند بودن و داشتن اقتدار منطقه‌ای برای راضی نگه‌داشتن بخش‌های تندروتر حکومتی و حفظ انسجام درونی دنبال می‌شود. از طرفی سلامی فرمانده سپاه تهدید به اجرای عملیات "وعده صادق ۳" می‌کند، از طرف دیگر عراقچی می‌گوید جمهوری اسلامی حق پاسخ به حمله هوایی اسرائیل را برای خود محفوظ می‌داند، اما تحولات دیگری در منطقه از جمله آتش‌بس اسرائیل و حزب‌الله را موردتوجه قرار می‌دهد و معنای این برخوردها همان تهدیدات توأم با ذلالت رژیم است که در کلیت، عقب‌نشینی‌های ذبوانه خود را بیان می‌کند.

حکومتی که تا چند وقت پیش مدعی بود تحریم، کاغذپاره‌ای بیش نیست و آن را به فرصتی برای پیشرفت تبدیل کرده است، امروز به شکست خود نه‌تنها در بعد داخلی، بلکه در بعد بین‌المللی اعتراف می‌کند. در این رابطه قالبیاف می‌گوید: "روزی بود وقتی که دشمنانمان ما را تهدید می‌کردند، ما می‌گفتیم نفت خود را بر روی شما می‌بندیم... اما امروز کدام

نفت را می‌بندیم و چه اهرمی داریم؟"

این سطح از اعترافات سران حکومت به بن‌بست‌های همه‌جانبه رژیمشان بیان بخشی از دلائل پذیرش شکست و راه تسلیم‌شدن به غرب و اسرائیل را درپیش گرفتار است. خامنه‌ای و دیگر سران حکومت می‌دانند که دیگر نه از نظر مالی و نه از نظر دسترسی، توان بازسازی نظامی حزب‌الله و حماس که از گروه‌های اصلی وابسته خود در ایجاد تنش و شاخ‌وشانه کشیدن علیه اسرائیل بودند را ندارد و حالا خود جمهوری اسلامی با موقعیتی تضعیف شده هدف تهدیدات نظامی اسرائیل است.

با درک این موقعیت وخیم رژیم توسط خامنه‌ای و سران دیگر است که به دنبال صدور قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، دستگاه دیپلماسی حکومت با شتاب به دنبال راهی است تا پیش از شروع کار ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا برای جلوگیری از تشدید تحریم‌ها با اروپا به توافق برسد. هم اکنون غریب‌آبادی و تخت‌روانچی معاونان وزیر امور خارجه در ژنو برای شرکت در یک نشست با مقامات سه کشور اروپایی با هدف یافتن راه‌هایی برای تضمین لغو تحریم‌های اعمال شده از سال ۲۰۱۸ (آن‌طور که خود ادعا می‌کنند) به سر می‌برند (جالب این است که دیپلمات‌های اروپایی می‌گویند نشست ژنو بیشتر یک جلسه هم‌فکری متمرکز بر نگرانی‌های متقابل آنها در مورد نحوه رسیدگی ترامپ به پرونده ایران است، نه راهی برای تضمین لغو تحریم‌ها).

به‌رحال جمهوری اسلامی برای حفظ بقای خود تا آنجا که به روابط منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط است، دست به هر کار خفت‌باری می‌زند و ثابت کرده که حاضر است بدترین جام زهرها را هم سربکشد. حالا در شرایطی قرار دارد که حتی ممکن است با فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت فشار حداکثری تحریم‌ها توان ساختن بمب هسته‌ای از نظر مالی و جرئت مواجه‌شدن با تبعات آن مانند مورد حمله نظامی قرارگرفتن تأسیسات هسته‌ای‌اش توسط اسرائیل و با حمایت ترامپ را نداشته باشد و به این موقعیت راضی شود.

اما کل بحران و بن‌بست حکومت این نیست. بن‌بست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بخشی از کل بن‌بست‌هایی است که رژیم را در خود کشیده است. بن‌بست اصلی و غیر قابل‌برونرفت برای جمهوری اسلامی اوضاع داخلی‌ای است که جامعه و مردم برایش ساخته‌اند.

برخلاف بن‌بست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم که از طریق معامله و سرانجام تسلیم‌شدن در برابر خواست طرف‌های مقابل و پذیرش موقعیت‌های خفت‌بار، امکان باز نمودن روزنه‌ای برای برونرفت ممکن است میسر شود، در عرصه داخلی هیچ شانس نیست. برای حکومت باقی‌مانده است. مردم خواهان سرنوشتی رژیم هستند و به کمتر از آن رضایت نمی‌دهند. از این رو پذیرش شکست و تسلیم در برابر غرب و اسرائیل به تضعیف شدیدتر آن در برابر قدرت و اراده مردم در حال‌کندن گورش می‌انجامد.

حکومت اسلامی سرنگون

باید گردد

سیستم جدید استارلینک کابوس حکومت اسلامی



کیوان جاوید

تماس برای جمع‌شدن‌ها برای تظاهرات یا جواب‌دادن به پرویگان‌دای حکومت در ابعاد میلیونی در مدیای اجتماعی یا اعلام توفان‌های توئیتری یکی دیگر از کاربردهای اصلی ارتباطات در مدیای اجتماعی است. با توسل به اینترنت پُر سرعت، مطالب به‌موقع منتشر می‌شوند و بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سیاسی و مبارزاتی فوراً دست‌به‌دست می‌گردند.

پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تسهیل مدیای ارتباطی، آن توپخانه فوق سنگینی است که پُوقفه سنگرهای دشمن را می‌کوبد. در ایران به دلیل استفاده بیش از ۴۰ میلیون شهروند از مدیای اجتماعی این ابزار بالای جان حکومت اسلامی شده است.

آیا جمهوری اسلامی راهی برایش مانده است که همچون شرایطی که در شروع انقلاب زن زندگی آزادی به وجود آورد یکبار دیگر در ابعاد گسترده اینترنت‌ها را قطع کند و رابطه توده مردم را با شبکه‌های اجتماعی تا حد زیاد تحت‌تأثیر قرار دهد؟ آیا کشورهای در منطقه پیدا خواهند شد که چنین امکانات مخابراتی در اختیار استارلینک بگذارند؟ آیا موانع پیش‌بینی‌نشده‌ای در راه وصل‌شدن شهروندان به شبکه جهانی استارلینک وجود دارد که کام مردم را تلخ و کابوس جمهوری اسلامی را کم کند؟ سؤالات زیاد است. اما جهان در ابعاد عظیم‌تری وارد یک عصر نوین ارتباطات جهانی شده است و دیگر راه برگشتی از این انقلاب ارتباطات وجود ندارد.

یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای انقیاد جامعه مغزشوپی حکومت‌ها با توسل به امکانات رسانه‌ای و تبلیغی حکومتی است. از پمپاژ پُوقفه خرافه در درون جامعه، تا تبلیغ پُوقفه فرهنگ مردسالار و ضد زن، تا ابدی و ازلی قلمدادکردن فقر و نابرابری و بیان مستمر اینکه قدرت حاکم دست‌نخورده خواهد ماند و کاری از دست مردم بر نمی‌آید. صرف میلیاردها دلار توسط رژیم اسلامی برای تبلیغات دقیقاً به این منظور صورت می‌گیرد تا شهروندان را در خلوت خانه‌هایشان مورد بمباران تبلیغاتی قرار بدهند.



به یمن یک جامعه به‌پاخاسته که انقلاب محور همه تحولات آن است و با تسهیل دسترسی به مدیای اجتماعی غیر فیلتر شده، جامعه در آستانه یکی از بزرگ‌ترین پیشروها به‌سوی سرنوینی جمهوری اسلامی گام بر می‌دارد. آنچه جوانان و نوجوانان و تقریباً باید گفت بخش بزرگی از مردم ایران در رابطه با شناخت از کارکرد پدیده مدیای اجتماعی می‌دانند واقعاً خیره‌کننده است. عصر انقلاب ارتباطات پینگ‌پنگی در جهان نورا فکتی به وسعت جهان است که همه گوشه و زوایای تاریخ‌خانه حکومت آدمکش اسلامی را روشن می‌کند و راه فراری برای جانیان اسلامی باقی نمی‌گذارد.

برای تسهیل در امر دسترسی به استارلینک که همه شهروندان بتوانند به‌آسانی فیلترینگ را دور بزنند و قطع اینترنت توسط جمهوری اسلامی را خنثی کنند باید از توان همه مدافعان آزادی و رهایی در ایران و جهان بهره‌مند شد تا نشان داده شود مردم ایران برای مبارزه در جهت سرنوینی جمهوری اسلامی بی‌صبرانه در انتظار وصل‌شدن به این شبکه جهانی هستند. این عطش وصل‌شدن به این تکنولوژی برتر جهانی باید به مسئولین استارلینک و حتی به کشورهای همسایه با جمهوری اسلامی منتقل شود تا امکانات لازم را در اختیار بگذارند. این تحول حتی اگر طی همین ماه‌های آینده فراهم نشود، شتری است که دم در حکومت اسلامی خواهد خوابید.*

تحولی جدید در دسترسی جهانی به اینترنت در حال شکل‌گیری است که می‌تواند برای کسانی که در جهان محروم از اینترنت‌اند یا با محدودیت شدید حکومتی در استفاده از مدیای اجتماعی روبرو هستند، یک انقلاب تلقی شود. ایلان ماسک با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس که متعلق به خود او است اظهار داشته که سیستم جدید استارلینک امکان اتصال مستقیم تلفن‌های همراه به اینترنت ماهواره‌ای را بدون نیاز به تجهیزات اضافی یا نصب برنامه خاص فراهم می‌کند. گوش‌هایی که بعد از ۲۰۱۲-۲۰۱۳ ساخته شدند می‌توانند از این سرویس استفاده کنند.

در حال حاضر سرویس اینترنت استارلینک که تعداد زیادی در جهان از آن استفاده می‌کنند این‌طور عمل می‌کند که از طریق دیش‌های ماهواره‌ای به ستالایت وصل می‌شود و از ستالایت به مرکز استارلینک اتصال می‌یابد و از اینجا اینترنت در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. در کشورهایی که ورود این تجهیزات توسط دولت غیرقانونی است طبعاً محدودیت‌های شدیدی در راه استفاده عمومی از این تکنولوژی وجود خواهد داشت. در سیستم جدید بدون واسطه دیش، امکان اتصال فقط به گوشی‌های موبایل - نه کامپیوتر - ممکن می‌شود. سیستم جدید از طریق شرکت‌های مخابراتی این سرویس را به کاربران ارائه می‌دهد. اما بنا به گفته کارشناسان، احتمالاً طی یک تا دو سال آینده در ایران امکان اتصال عمومی به این سیستم شاید ممکن نباشد، مگر اینکه یکی از کشورهای همسایه با ایران امکان مخابراتی را در اختیار استارلینک قرار بدهد.

چرا این خبر تا همین‌جا می‌تواند به کابوس جمهوری اسلامی و منبعی از امید برای مردم تبدیل شود؟ تحلیل زیادی لازم نیست تا ثابت شود رسانه‌های صوتی و تصویری (نظیر رادیو و تلویزیون)

چه نقش مهمی در تبلیغات و چه تأثیرگذاری فکری - فرهنگی و سیاسی بر جوامع بشری دارند. در نظر بگیریم وقتی تلویزیون‌های ماهواره‌ای با به عرصه وجود گذاشتند این رویداد یک ضربه سنگین به مونوپولی رسانه‌ای شد که همیشه در انحصار دولت‌ها و شرکت‌هایی بود که در خدمت طبقه حاکم هستند. با انحصارزدایی از مدیای اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای آن‌چنان ضربات سهمگینی به جمهوری اسلامی وارد آمده که جنبش سرنوینی را در یک موقعیت ممتازتری قرار داده است.

۲۵ سال گذشته دوره شدید روی‌آوری گسترده اجتماعی به تلویزیون‌های ماهواره‌ای در ایران بود و آن‌چنان ضربه مهلکی به جمهوری اسلامی وارد کرد که ایجاد خفقان خبری برای رژیم غیرممکن شد. اما رژیم اسلامی در این عرصه علی‌رغم ضربات سهمگینی که خورده است، توانسته تا حد قابل‌توجهی ارتباط دوطرفه بین مردم و تلویزیون ماهواره‌ای را محدود کند و در واقع ارتباطات را تقریباً یک‌سویه کند. همچنین وقتی جمهوری اسلامی در دل چند بار برآمد خیابانی و از جمله در جریان انقلاب زن زندگی آزادی اینترنت‌ها را بست در واقع تا حد زیادی موفق شد که از ارسال به‌موقع اخبار و ویدئوکلیپ‌ها جلوگیری کند. اما با امکانات جدیدی که استارلینک قرار است در اختیار عموم قرار بدهد و طی‌شدن موفقیت‌آمیز این پروژه اوضاع به کلی دگرگون خواهد شد.

در مبارزات جاری در ایران اینترنت نقش سازمانگرایانه میدانی بالایی دارد.

اطلاعه‌های هفته اخیر

۴ آذر: تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد

امروز یک‌شنبه ۴ آذر جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند و با تأکید بر خواست‌های خود دست به اعتراض زدند. در کرمانشاه بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود علیه فقر و بی‌تامینی، تعرضات معیشتی حکومت، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و علیه سرکوبگری‌های حکومت شعارهای اعتراضی خود را سر دادند. این بازنشستگان شعار می‌دادند:

"نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار"، "مالیات بی‌شمار، امکانات اسفبار"، "قطعی برق کشور، میریم به عصر حجر"، "نان مردم با برقه، ای مسئول بی‌عرضه"، "برق و گاز و معیشت، دزدیده شد از ملت"، "همسان‌سازی نکردید، بودجه آن را خوردید". بازنشستگان همچنین شعار می‌دادند معلم زندانی آزاد باید گردد، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل گرمی آزاد باید گردد".

در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار می‌دادند "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته"، "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "پیام ما به دولت، خجالت، خجالت" تا حق خود بگیریم از پانمی‌نشینیم"، "از خوزستان تا گیلان، مرگ بر این مدیران"، "از خوزستان تا تهران، مرگ بر این مدیران".

در اهواز بازنشستگان در برابر ساختمان تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی کردند و با خواندن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی فریاد اعتراض خود را علیه بساط توحش و چپاول حاکم بلند کردند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "تأمین اجتماعی چه اسم اشتباهی"، "تأمین اجتماعی از انحصار دولت آزاد باید گردد"، "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان"، و "کارگر زندانی آزاد باید گردد".

اعتراض بازنشستگان در سطح سراسری به فقر و بی‌تامینی و چپاول صندوق‌های بازنشستگی و عدم پرداخت مزایا و حقوق شایسته آنها است. اختلاس‌ها و دزدی‌های حاکمین از معیشت و حقوق بازنشستگان عامل اصلی زندگی زیر خط بازنشستگان است. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواستار افزایش حقوقها و اجرای برخی مصوبات دولتی که می‌تواند بهبودی در وضع دریافتی‌هایشان ایجاد کند و معوقات مزدی‌شان است که عبارت‌اند از: پرداخت ۲۵ درصد باقی‌مانده از متناسب‌سازی سال‌های قبل، اجرای مفاد ۱۱۱ و ۹۶ تأمین اجتماعی، اجرای دائمی متناسب‌سازی، پرداخت عیدی همانند کارگران شاغل، پرداخت حق عائله‌مندی به بانوان مستمری‌بگیر، پرداخت مزایای حق اولاد و مسکن مانند کارگران، حذف دو درصد ماده ۸۹، اصلاح ضریب متناسب‌سازی بازنشستگان سال ۸۶ و ۸۷، و حذف ماده ۶۹ تأمین اجتماعی یا تسری آن به کلیه بازنشستگان همکار و غیر همکار.

در این روز بازنشستگان فولاد نیز مثل هفته‌های گذشته از جمله در اصفهان در مقابل صندوق بازنشستگی فولاد کشور در خیابان نشاط تجمع و راهپیمایی داشتند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "فولادی داد بزن/ حق تو فریاد بزن"، "معیشت و درمان نابودتر از هر زمان"، "اسلامو پله کردند، مردمو ذله کردند"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه".

افزایش حقوقها و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است. بازنشستگان فولاد همچنین خواست‌هایی فوری‌ای دارند که عبارت‌اند از: اجرای طرح اصلاحی ۱۷ مهرماه ۱۴۰۲ کارگروه همسان‌سازی صندوق فولاد و تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با

آیین‌نامه فولاد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آذر ۱۴۰۳، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران

امروز یکشنبه چهارم آذرماه جمعیت قابل‌توجهی از کارگران ارکان ثالث شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود در محوطه این شرکت دست به تجمع زده و سپس دست به راهپیمایی زدند و شعارهای اعتراضی خود را سر دادند. یک نکته قابل‌تأمل در این حرکت اعتراضی بلندکردن دو بنر توسط تعدادی از افراد بود که روی یکی از آنها نوشته شده بود "رهبر عزیز! ریشه برده‌داری نوین را بخشکانید" و بنری با نوشته "حذف پیمانکار نیروی انسانی و تبدیل وضعیت نیروی شرکت، تنها شرط رضایت و حمایت کارگران از مجلس شورای اسلامی است". شعارها و بنرهای از این دست تلاشی برای کشاندن اعتراضات متوالی و گسترده کارگران به دنبال سیاست‌های حکومت ضد کارگری و ضد انسانی است و کارگران نباید اجازه دهند که مبارزاتشان با این نوع شعارهای حکومتی لوٹ و آلوده شود. برافراشتن چنین شعارهایی قطعاً باعث تضعیف مبارزات کارگران و پشت کردن مردم منجر از حکومت به اعتراضات خواهد شد. کارگران ارکان ثالث یک بخش معترض کارگران در نامه هستند که با خواست اساسی حذف پیمانکاران و حق تشکل و تجمع به میدان آمده‌اند از خواست‌ها و اعتراضاتشان حمایت و پشتیبانی کنیم.

مطالبات فوری کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از:

بازگشت به کار فوری و بی‌قیدوشرط همه کارگران اخراجی و پایان‌دادن به برخورد‌های سرکوبگرانه و امنیتی با کارگران معترض، حق تشکل، تجمع و اعتراض، حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، عمل به توافقات قبلی علی‌الخصوص موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به‌صورت یک‌جانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع گاز تغییراتی در آن صورت گرفته است، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و هم‌تراز با کارگران رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان، اجرای بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

در یکم آذرماه نیز کارگران پالایش پارسین سپهر در عسلویه در اعتراض به سطح نازل حقوقها و ضعف امکانات رفاهی و نیز قراردادهای بردواری کاری خود تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آذر ۱۴۰۳، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴

دیگر بس است! ما حق زندگی داریم!

اعتراضات و تجمعات پرستاران ادامه دارد

اعتراضات پرستاران و کادر درمان در اهواز و شادگان

در ادامه اعتراضات سراسری پرستاران امروز چهارم آذرماه کادر درمانی بیمارستان آبدانا در اهواز در اعتراض به تأخیر پرداخت حقوق و معطلی سه‌ساعته بیماران و همراهان دست به تجمع اعتراضی زدند.

در سوم آذر نیز تمامی بهورزان در شبکه بهداشت در شادگان در اعتراض به عدم پرداخت کارانه مصوب وزارت بهداشت، عدم ترمیم حقوق و تبعیض در پرداختی‌ها، با در دست داشتن بنر و نوشته‌هایی اعتراضی، در شبکه بهداشت و درمان شادگان تجمع کردند!

دور تازه اعتراضات و اعتصابات پرستاران و کادر درمان در آستانه روز پرستار در قریب به بیست شهر جریان داشته است.

مطالبات مهم پرستاران و کادر درمان به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

۱. اصلاح حکم حقوقی پرستاران و کادر درمان متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)

۲. برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم

۳. اجرای دقیق تعرفه پرستاری

۴. اجرای مشاغل سخت و زیان‌آور

۵. ممنوع اعلام کردن اضافه‌کار جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی

۶. ایجاد امنیت شغلی

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آذر ۱۴۰۳، ۲۶ نوامبر ۲۰۲۴

۶ آذرماه: تجمعات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران،

معلمان بازنشسته در یزد، کارگران مترو در تهران و

اعتصاب پرستاران در اهواز

روز ششم آذرماه کارگران شرکت بهره‌برداری مترو در اعتراض به تصمیم واگذاری این شرکت به شهرداری تهران و وضعیت بد معیشتی و مشکلات کاری و اختلاس‌گری‌های حاکم تجمع کردند.

در این روز همچنین معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در اعتراض به اجرانشدن کامل رتبه‌بندی و همسان‌سازی، پرداخت‌نشدن پاداش پایان خدمت و سطح نازل حقوقها و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان بار دیگر دست به تجمع زده و مقابل نهاد ریاست‌جمهوری گرد آمدند. تجمع‌کنندگان در اعتراض به سر دواندن‌ها و وعده‌های دروغین شعار می‌دادند: "امروز فردا نکن حق ما رو ادا کن". دیگر شعارهای اعتراضی تجمع‌کنندگان از جمله عبارت بودند از: "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملی"، "فریاد فریاد از این همه بیداد"، و «وزیر خیانت می‌کند، دولت حمایت می‌کند!»

در همین رابطه در یزد نیز بازنشستگان معلم مقابل اداره برنامه‌بودجه تجمع کرده و همراه با دیگر بازنشستگان در تهران پیگیر مطالبات خود شدند. تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم".

در این روز همچنین پرستاران و پرسنل اتاق عمل بیمارستان رازی اهواز در اعتراض به تفاوت فاحش تعرفه‌های پرداختی نسبت به بخش‌های دیگر، عدم احتساب اتاق عمل به‌عنوان بخش ویژه، انبوه معوقات، کمبود نیرو، اضافه‌کاری اجباری و تحمیل وظایف خارج از چهارچوب، تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی و طرحی دست به اعتصاب زدند. پرستاران و کادر درمان این بیمارستان از یکشنبه ۴ آذرماه در اعتصاب هستند و اعلام کرده‌اند تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. اعتراضات پرستاران سراسری است. روز گذشته نیز پرستاران در شهر اهواز راهپیمایی و تجمع

داشتند. مطالبات فوری پرستاران و کادر درمان عبارت‌اند از:

۱. اصلاح حکم حقوقی پرستاران و کادر درمان متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)

۲. برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم

۳. اجرای دقیق تعرفه پرستاری

۴. اجرای مشاغل سخت و زیان‌آور

۵. ممنوع اعلام کردن اضافه‌کاری اجباری جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی

۶. ایجاد امنیت شغلی

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آذر ۱۴۰۳، ۲۶ نوامبر ۲۰۲۴

تجمع اعتراضی وسیع کارگران ارکان ثالث همراه با

خانواده‌هایشان

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) امروز ششم آذرماه کارگران ارکان ثالث در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی خود در تمامی پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع کردند. حضور پرشمار کارگران همراه با خانواده‌هایشان در صف اعتراض، صحنه پرشوری را ایجاد کرده بود و کارگران با فریاد "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" صدای اعتراض خود را علیه وعده‌های دروغین و تبعیضات و نابرابری‌ها و ساختار ضد کارگری موجود بلند کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

مطالبات کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری در مجتمع گاز پارس جنوبی عبارت‌اند از: حق تشکل، تجمع و اعتراض، حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، بازگشت به کار فوری و بی‌قید و شرط همه کارگران اخراجی و پایان دادن به برخوردهای امنیتی با کارگران معترض، عمل به توافقات قبلی علی‌الخصوص موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به‌صورت یک‌جانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع گاز تغییراتی در آن صورت گرفته است، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و هم‌تراز با کارگران رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان و اجرای بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

در این روز همچنین گروهی از بازنشستگان پتروشیمی خراسان که بخشی از رفاهیات آنان با تبابی صندوق بازنشستگی و کارفرما از ۱۵ ماه پیش قطع شده است تجمع و اعتراض کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آذر ۱۴۰۳، ۲۶ نوامبر ۲۰۲۴

اعتراضات گسترده بر سر معیشت و رفاه در سطح جامعه

تجمع کارکنان خدماتی مدارس، کشاورزان قهدریجان، معلمان

بازنشسته همدان

اعتراضات بر سر معیشت در جامعه گسترده است و بخش‌های مختلف کارگری از جمله کارگران در مراکز کارگری، بازنشستگان، معلمان و نیز کشاورزان و مال‌باختگان و بخش‌های دیگری از جامعه را دربر گرفته است. امروز هفتم آذرماه کارکنان خدماتی مدارس در اعتراض به دستمزد پایین و تنگنای معیشتی و سایر مطالبات خود در برابر سازمان برنامه‌بودجه تجمع کردند.

ادامه اعتراضات پرستاران در اهواز

پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن

روز شنبه دهم آذرماه پرستاران و کادر درمان اهواز در ادامه اعتصابات و اعتراضات خود مقابل استانداری استان خوزستان در اهواز تجمع کردند و به شرایط نابسامان شغلی و حقوقی خود اعتراض کردند. این در حالی است که دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، برخلاف وعده‌های قبلی خود برای پایان دادن به اعتصاب، به روش‌های دیگری برای عقب زدن اعتصاب روی آورده است. از جمله ریاست دانشگاه و معاونین وی طی جلسه‌ای با مدیرگروه‌ها و دانشجویان از آنها خواسته‌اند که به بیمارستان‌ها بروند و به جای کادر درمان کار کنند در غیر این صورت، با آنها برخورد خواهد شد و مانع از فارغ‌التحصیلی آنان خواهند شد.

همچنین گفته می‌شود که دانشگاه نیروهای سایر شهرستان‌های استان را نیز به واسطه شبکه‌های بهداشت و درمان شهرها دعوت به شیفت دادن در بیمارستان‌های سطح شهر اهواز کرده است. علی‌رغم همه این تشبیهات پرستاران ایستاده‌اند و به اعتراضاتشان ادامه می‌دهند. فراخوان پرستاران به دانشجویان این است که به این فشارهای مضحک و خارج از عرف تحصیل تن ندهند و در برابر این تقلاها محکم بایستند.

مطالبات سراسری پرستاران و کادر درمان عبارت‌اند از:

- اصلاح حکم حقوقی پرستاران و کادر درمان متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)
 - برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم
 - اجرای دقیق تعرفه پرستاری
 - اجرای مشاغل سخت و زیان‌آور
 - ممنوع اعلام کردن اضافه‌کاری اجباری جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی
 - ایجاد امنیت شغلی
- حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ آذر ۱۴۰۳، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۴

نامه حمایتی کارلوس فلورس دبیر لوکال ۵۰ اتحادیه خدمات عمومی ویکتوریا در کانادا

در همبستگی با خانواده‌های جان‌باخته در معدن طبس و کارگران در ایران

فلورس دبیر لوکال ۵۰ اتحادیه خدمات عمومی در ویکتوریا در کانادا طی نامه‌ای صمیمانه در پاسخ به شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) که رونوشت آن به فریده بزرگ عضو این کارزار در ویکتوریا کانادا ارسال شده حمایت خود را از خانواده‌های معدنچیان جان‌باخته در معدن جوی طبس اعلام داشت. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "به‌عنوان اتحادیه کیو پی لوکال ۵۰ (اتحادیه کارگران خدمات دولتی) در ویکتوریا در کانادا ما قاطعانه این رفتار غیرانسانی با کارگران در معدن طبس را از جانب کارفرمایان معدن و به‌طور کلی حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی و ادامه‌دادن به زیر پا گذاشتن کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار در رابطه با ایمنی محیط کار و سلامتی کارگران شدیداً محکوم می‌کنیم. حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی زیر فشار قرار گیرد و به‌خاطر زیر پا گذاشتن پایه‌ای‌ترین حقوق کارگران محکوم شود."

متن نامه ضمیمه است.

۱۰ آذر ۱۴۰۳، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

در این روز همچنین کشاورزان "قهلدیجان" در اعتراض به وضع بد معیشتی و دزدی‌ها و زمین‌خواری‌ها در برابر استانداری اصفهان تجمع کردند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی مال‌باختگان عظیم خودرو در مقابل دادسرای اقتصادی ناحیه ۳۲ در اعتراض به بالا کشیدن پول‌های آنها برگزار شد. در این اختلاس بزرگ هزاران میلیارد پول مردم به تاراج رفته است. در رأس دزدی‌ها مقامات حکومتی و وابستگان آنها قرار دارند. اعتراض به غارت و چپاول در سیستم چپاول و غارت حاکم به یک جنبش تبدیل شده است.

در این روز همچنین معلمان بازنشسته در همدان دست به تجمع و اعتراض زدند. اعتراض آنان به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای مصوبات حکومت که می‌تواند بهبودی در وضع آنها ایجاد کند و وعده‌های توخالی است. در این جمع معلمان بازنشسته شعار می‌دادند "تا خون در رگ ماست، پیگیری و تجمع کار همیشه ماست". در همین رابطه روز گذشته جمعیت بزرگی از معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران و جمعی از معلمان بازنشسته در یزد تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

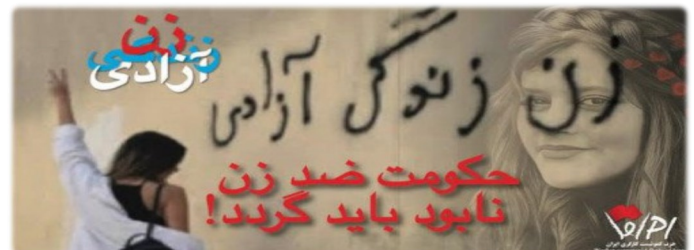
۱۷ آذر ۱۴۰۳، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴

اعتراضات گسترده پرستاران در شهر اهواز

اعتصابات پرستاران در اهواز گسترش می‌یابد. امروز هفتم آذرماه کادر درمان و کارکنان نظام سلامت و پرسنل بیمارستان طالقانی و بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی. آنکولوژی بقایی ۲ در اهواز به اعتراضات پیوستند و دست به اعتصاب زدند. طی روزهای گذشته اعتصاب و اعتراض پرستاران و کادر سلامت در بیمارستان‌های خمینی، گلستان و رازی و آپادانا جریان داشت و در تجمع اعتراضی آنها شمار جمعیت به ۴۰۰ نفر می‌رسید. اعتراضات پرستاران سراسری است و بازتابی گسترده داشته است. شهرهای شیراز، یاسوج و اهواز بزرگ‌ترین مراکز اعتصاب و اعتراض پرستاران هستند.

در برابر این اعتراضات تنها عکس‌العمل مسئولان حکومتی تلاش برای شکستن اعتصاب از طریق اجبار دانشجویان برای پر کردن شیفت‌های خالی بوده است. پرستاران شعار می‌دهند: "پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "پرستار نباشه، سیستم از هم می‌پاشه!". مطالبات سراسری پرستاران و کادر درمان عبارت‌اند از:

- اصلاح حکم حقوقی پرستاران و کادر درمان متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)
 - برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم
 - اجرای دقیق تعرفه پرستاری
 - اجرای مشاغل سخت و زیان‌آور
 - ممنوع اعلام کردن اضافه‌کاری اجباری جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی
 - ایجاد امنیت شغلی
- حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آذر ۱۴۰۳، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴



پشتیبانی شده است. متن نامه حمایتی استفان سیچووسکی ضمیمه است.

۴ آذر ۱۴۰۳، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴
کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com/>

shahla.daneshfar2@gmail.com

در رابطه با وضعیت کارگران زندانی در ایران و برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

خطاب به: آقای پزشکین، رئیس جمهوری اسلامی ایران، آقای خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و مقامات مسئول در نظام قضایی ایران

هشدار درباره وضعیت اضطراری چهار فعال کارگری به سرکوب‌ها پایان دهید!

خبرهای نگران‌کننده‌ای از تشدید فشار امنیتی بر فعالان کارگری و معلمان معترض به گوش می‌رسد. بر اساس گزارش‌های دریافتی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران، کارگران بازنشسته‌ای چون نسرين جوادى، اسماعیل گرامی، ناهید خداجو و رضا اقدسی در زندان به سر می‌برند و همه این زندانیان با فشارهایی نظیر محرومیت از دارو و درمان مواجه هستند.

بر اساس همین گزارش نسرين جوادى، ۶۸ ساله بازنشسته صنعت هوانوردی که دوران محکومیت ۵ ساله خود را در زندان اوین می‌گذراند، از چندین بیماری رنج می‌برد و پزشکان ادامه حبس وی را خطرناک می‌دانند. اکنون بیماری وخیم تنها فرزندش که به بیمارستان منتقل شده، فشار بر نسرين جوادى و شکنجه‌های روحی او شدت داده است. پسرش از دیابت درجه یک و سایر بیماری‌ها رنج می‌برد و پزشکان اعلام کرده‌اند که نباید در خانه تنها بماند و نیاز به مراقبت دارد. نسرين نیمی از دوران حبس خود را سپری کرده است و مقامات قضایی و امنیتی از آزادی مشروط او خودداری کرده‌اند و با وجود همه این مشکلات از دادن مرخصی به او امتناع می‌کنند.

مورد دیگر اسماعیل گرامی ۷۰ ساله بازنشسته کارخانه کارتن‌سازی است که به اتهام شرکت در اعتراضات و نوشتن مقاله به یک سال حبس محکوم شده و در تیرماه ۱۴۰۳ بازداشت شده و اکنون در بند ۴ زندان به سر می‌برد. اسماعیل گرامی از بیماری‌های متعددی چون «صرع»، «مشکل پروستات»، «کمردرد» و غیره رنج می‌برد و قبلاً هم در زندان بوده و در وضعیت بد جسمانی به سر می‌برد.

همچنین رضا (غلامرضا) اقدسی کارگر اخراجی ایران خودرو دومین سال محکومیت خود را در زندان اوین می‌گذراند. اقدسی از ناشنوایی، حملات شدید عصبی و درد پاها رنج می‌برد. درخواست او برای آزادی مشروط یا حتی با پابند الکترونیکی رد شده است. او از درمان محروم است و تنها نان آور خانواده‌اش است. او سه فرزند دارد که یکی از آنها اوتیست است و کودک دیگر نیز با بسیاری از بیماری‌های جسمی درگیر است. پزشک قانونی ناتوانی وی در تحمل حبس را تأیید کرده است. رضا به اتهام تبلیغ علیه نظام به هشت ماه و به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به سه سال و هفت ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

یکی دیگر از موارد فوری خطر اعدام عباس دریس کارگر، زندانی و یکی از بازداشت‌شدگان سال ۱۳۹۸ و یکی از شاهدان کشتار وحشیانه ده‌ها معترض توسط حکومت در نزارهای ماهشهر است.

همچنین تعدادی از معلمان، فعالان کارگری و معترضان انقلاب زن، زندگی، آزادی همچنان در زندان به سر می‌برند و در هفته جاری محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان برای اجرای حکم شش‌ماهه خود بازداشت شد.

<https://free-them-now.com/>

ضمیمه:

نامه لوکال ۵۰ کیوی در ویکتوریا در کانادا

به: Free Them Now شهلا دانشفر

برادران و خواهران! این نامه‌ای برای اعلام همبستگی با خانواده‌های ۶۲ کارگر معدن طبس است که به‌خاطر نادیده‌گرفته‌شدن و بی‌تفاوتی مسئولین معدن به امنیت و سلامت آنان به قتل رسیدند. بر اساس سنت دیرینه همبستگی بین‌المللی با کارگران که بخشا در تعهدنامه پایه‌ای ما آمده. ما همبستگی و حمایت خود را با طبقه کارگر ایران و به طور ویژه با خانواده‌های معدنچینی که زیر آوار جان باختند اعلام کنیم.

بنا بر گزارشی که سازمان فری دم ناو از خانواده‌های جان‌باختگان این معدن اعلام کرده این کارگران قبل از حادثه در مورد خطر انفجار و نشت گاز در همان روز انفجار هشدار داده بودند. اما کارفرمایان معدن آنها را با تهدید اینکه یا می‌روید و کار می‌کنید یا تسویه‌حساب کنید و بروید آنها را وادار به کار کرده‌اند. و در نتیجه کارگران جان خود را در انفجار معدن از دست دادند.

از جانب لوکال ۵۰ کیوی (اتحادیه کارگران خدمات دولتی) در ویکتوریا در کانادا ما قاطعانه این رفتار غیرانسانی با کارگران در معدن طبس از جانب کارفرمایان معدن و حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی و ادامه‌دادن به زیر پا گذاشتن کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار در رابطه با ایمنی محیط کار و سلامتی کارگران را شدیداً محکوم می‌کنیم. حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی باید زیر فشار قرار بگیرد و در سطح جهان به‌خاطر زیر پا گذاشتن پایه‌ای‌ترین حقوق کارگران محکوم شود.

ما نامه را با تأکید بر پشتیبانی از تلاش شما برای آزادی ورهائی طبقه کارگر خاتمه می‌دهیم و برای

در همبستگی

کارلوس فلورس

از طرف لوکال ۵۰ کیوی (اتحادیه کارگران خدمات عمومی) و ویکتوریا رونوشت به: فریده بزرگ (عضو برای آزادی کارگران زندانی free them now) و ویکتوریا

لینک به نامه اتحادیه کیوی در سایت کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://shorturl.at/qEhCk>

نامه حمایتی استفان سیچووسکی دبیرکل شورای اتحادیه‌های کارگری ونکوور و حومه در کانادا (VDLC)

به دنبال تماس کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) با شورای اتحادیه‌های کارگری بریتیش کلمبیای کانادا که در برگزیده ۶۰۰۰۰ عضو است، استفان سیچووسکی دبیرکل این اتحادیه طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به سران جمهوری اسلامی سرکوب کارگران معترض را محکوم کرد و حمایت خود را از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اعلام داشت. در این نامه بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار به‌خاطر سرکوبگری‌هایش تأکید شده است. خطاب این نامه پزشکین، رئیس جمهور ایران، خامنه‌ای و مقامات مسئول در نظام قضایی ایران هستند. این نامه به‌ویژه تأکیدی بر وضعیت اضطراری چهار کارگر زندانی یعنی نسرين جوادى خضرى، اسماعیل گرامی، رضا اقدسی و عباس دریس دارد. استفان سیچووسکی در این نامه همچنین نسبت به سرکوبگری‌های حکومت و تداوم و تشدید سرکوب معلمان ابراز نگرانی کرده و بر پایان دادن به این سرکوبگری‌ها و اعدام‌ها در ایران تأکید کرده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ضمن گزارش آخرین وضعیت کارگران زندانی و معلمان در بند از دیگر اتحادیه‌های کارگری خواستار حمایت و

حکم اعدام آنها شده‌اند. فعالین در کشورهای مختلف با ملاقات با سازمان‌های جهانی و اطلاع‌رسانی خواستار لغو اعدام این دوزندانی سیاسی شده‌اند. عفو بین‌الملل اخیراً با انتشار بیانیه‌ای فوری با اشاره به وضعیت وریشه مرادی خواهان اقدام سریع برای لغو حکم اعدام او و آزادی‌اش شده است.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی با انتشار اخبار وضعیت وریشه مرادی و پخش‌های عزیزی، حمایت از کمپین برای آزادی این دوزندانی و ارسال نامه به دولت‌ها، سازمان‌های جهانی و افکار عمومی خواستار فشار دولت‌ها و مردم در سراسر جهان به رژیم اسلامی برای لغو احکام اعدام وریشه و پخش‌ها شده است.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی ضمن حمایت قاطعانه از کمپین وریشه مرادی و پخش‌های عزیزی، از مردم و تشکل‌های آزادی‌خواه و مدافع آزادی زندانیان سیاسی دعوت می‌کند تا با حمایت از کمپین‌های آزادی وریشه و پخش‌های صدای این دوزن شجاع و خانواده‌هایشان باشند. در خارج از ایران با تماس با وزرای خارجه کشورمان محل اقامتتان، خواستار فشار بر رژیم جهت آزادی وریشه و پخش‌ها شوید. با حمایت از اینستاگرام‌های کمپین وریشه و پخش‌ها، خبررسانی و انتشار ویدئویی حمایتی در شبکه‌های اجتماعی، صدای شجاع وریشه و پخش‌ها را فریاد بزنید.

کمپین وریشه مرادی:

<https://www.instagram.com/verishe6?igsh=MXg5c2tvYThvdTM4eg==>

کمپین پخش‌های عزیزی:

<https://www.instagram.com/pakhshanazizi?igsh=c3hhaDV1ZWdvaXZ>

حمایت از وریشه و پخش‌ها وظیفه هر فرد و تشکل مدافع حقوق انسانی است. حمایت از این دوزن شجاع و مبارز، حمایت از انسانیت و حق زندگی است. سکوت خبری، و عدم انعکاس وسیع وضعیت وریشه و پخش‌ها دست رژیم اسلامی را در شکنجه و اعدام این دوزن شجاع و مبارز باز می‌گذارد.

صدایشان باشیم.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی

۲۸ نوامبر ۲۰۲۴ برابر با هشتم آذرماه ۱۴۰۳

کنفرانس شهری تشکیلات فرانکفورت حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد.

روز یکشنبه ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴ کنفرانس تشکیلات فرانکفورت با شرکت اعضا و کادرهای حزب در فرانکفورت و تعدادی مهمان به صورت حضوری برگزار شد.

در ابتدای برنامه ندا علایی با خوش آمدگویی به شرکت‌کنندگان کنفرانس را آغاز کرد. سپس محمدمین کمانگر دبیر کمیته با سخنرانی‌اش کنفرانس را افتتاح کرد. وی با اشاره به نقش و جایگاه تشکیلات فرانکفورت در طول چند سال گذشته در مبارزه و اعتراض علیه جمهوری اسلامی، به‌ویژه در طول انقلاب زن زندگی آزادی پرداخت و تأکید کرد که در این دوره فرانکفورت نقش مهمی در اعتراضات خیابانی و در دفاع از انقلاب، بسیج مخالفان رژیم حول محورهای مهم این انقلاب داشت و توانست نقش متحدکننده و اجتماعی در این دوره داشته باشد. وی در ادامه ضمن قدردانی از در فعالیتهای اعضا و کادرها در این دوره، با اشاره به دستاوردهای تاکنونی، بر ضرورت آمادگی و فعالیت متمرکزتر تشکیلات برای فعالیتهای آتی تأکید کرد.

در ادامه کنفرانس آیین‌نامه و دستور جلسه را تصویب کرد. پس از آن محمدمین کمانگر دبیر کمیته گزارش کار و فعالیتهای دوره گذشته را به

VDLC همراه با کارگران و مردم ایران بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی این فعالان کارگری و لغو حکم اعدام عباس دریس تأکید دارد. این اتحادیه خواستار آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی کارگران و معلمان و زندانیان سیاسی زندانی و پایان دادن به سرکوب‌ها و اعدام‌های رژیم اسلامی در ایران است.

حق تجمع، تشکل و اعتراض حقوق اساسی کارگران و مردم در سراسر جهان است. رژیم اسلامی باید از نهادی مانند سازمان بین‌المللی کار به دلیل جنایات مستمرش علیه کارگران و مردم ایران اخراج شود.

استفان سیچووسکی، رئیس شورای اتحادیه‌های کارگری ونگوور و حومه (VDLC)

۲۲ نوامبر ۲۰۲۴

لینک به متن انگلیسی. و فارسی اطلاعیه در سایت کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://tinyurl.com/38m4w3mf>

بیانیه کمیته آزادی زندانیان سیاسی

سکوت خبری، و عدم انعکاس وسیع وضعیت وریشه و پخش‌ها دست رژیم اسلامی را در شکنجه و اعدام این دوزن شجاع و مبارز باز می‌گذارد.

از کمپین آزادی وریشه مرادی و پخش‌های عزیزی حمایت کنید!

جانشان در خطر است!

وریشه مرادی، در زندان اوین، به اعدام محکوم شده است. وریشه سال‌ها به‌عنوان مربی ورزش برای کودکان محروم و فعال مدنی در حوزه زنان و دانشجویی در سندج مشغول فعالیت بود. او در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۴۰۲، توسط مأموران سپاه پاسداران بازداشت و در مکان نامعلومی حدود پنج ماه تحت شکنجه شد و محروم از حق تماس با خانواده و یا داشتن وکیل بود. او در اعتراض به اعدام‌ها در ایران، در روز جهانی علیه اعدام (۱۹ مهرماه ۱۴۰۳) به مدت ۲۰ روز دست به اعتصاب غذا زد. به دنبال اعتصاب غذا، وریشه دچار خونریزی دستگاه گوارش شده است و داروهایی که از طرف خانواده او برای مداوای وریشه به زندان اوین تحویل داده شده است به وریشه داده نشده و با تقاضای خانواده برای ارسال او جهت معالجه موافقت نشده است. وریشه محروم از درمان و در خطر اعدام می‌باشد!

پخش‌های عزیزی، فعال حقوق زنان، روزنامه‌نگار و مددکاری اجتماعی در زندان اوین و محکوم به اعدام است. در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۴۰۲، پخش‌های عزیزی توسط وزارت اطلاعات رژیم در تهران بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. مأموران همچنین چند تن از اعضای خانواده او را همزمان بازداشت کردند. پخش‌های عزیزی، در نامه خود، اعلام کرد که تحت شکنجه‌های شدید قرار داشته، و بارها اعدام مصنوعی شده است.

علی‌رغم شکنجه و فشار بر وریشه مرادی و پخش‌های عزیزی و خانواده‌هایشان، این دوزندانی سیاسی در زندان نیز به اعتراض خود علیه اعدام‌ها و سرکوب رژیم ادامه داده‌اند.

وریشه و پخش‌های زنان شجاع و از رهبران انقلاب زن، زندگی، آزادی هستند و رژیم با صدور حکم اعدام برای این زنان شجاع وحشت خود را از رهبری و مقاومت زنان نشان می‌دهد.

شجاعت و مقاومت این دوزن شجاع جهانی شده و در ایران و اقصای نقاط جهان، مدافعین حقوق زنان، آزادی زندانیان سیاسی و علیه حکم اعدام فعالیتهای مختلفی را در سطح بین‌المللی جهت لغو حکم اعدام و آزادی وریشه و پخش‌ها دستور کار خود قرار داده‌اند. در ایران خانواده‌های دادخواه با صدور بیانیه و انتشار عکس‌های وریشه و پخش‌ها، خواهان لغو

کنفرانس به‌عنوان کمیته تشکیلات فرانکفورت انتخاب شدند
 ۱. ندا علایی ۲. آوا میرسالاری ۳. نوید محمدی ۴. محمدمین کمانگر ۵.
 جمال گل حسینی

در بخش اختتامیه کنفرانس محمدمین کمانگر ضمن تشکر از همه
 اعضا و کادرهای تشکیلات و دوستداران حزب، از همه آنها دعوت کرد
 خودشان را برای دور آتی از فعالیت‌ها با کمیته جدید آماده نمایند.
 کنفرانس تشکیلات فرانکفورت بعد از پنج ساعت بحث و گفتگو با
 موفقیت پایان یافت. در اولین جلسه کمیته رفقا امین کمانگر به‌عنوان دبیر،
 ندا علایی به‌عنوان معاون دبیر، نوید محمدی مسئول مالی و جمال گل
 حسینی معاون مسئول مالی انتخاب شدند.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران - فرانکفورت
 ۲۶ نوامبر ۲۰۲۴

کنفرانس ارائه داد. حضور مدام ما به همراه نیروهای سرنگونی طلب
 جلوی کنسولگری از تحصن گرفته تا موارد دیگر، بر گستردگی و تأثیرات
 مثبت این فعالیت‌ها در تقویت روحیه مبارزاتی و خیابانی در این دوره و
 تحمیل عقب‌نشینی به رژیم از جمله تعطیلی کنسولگری اشاره کرد. وی
 در بخش دیگر گزارش به فعالیت‌های این دوره در عرصه پناهندگی و نتایج
 مثبت آن که حاصل این فعالیت‌ها بود، اشاره کرد. در این بخش به
 مهمانان هم فرصت اظهارنظر داده شد.

بعد از گزارش دبیر کمیته، نوید محمدی خزانه‌دار حزب گزارش
 فعالیت‌های مالی و حق عضویت‌ها را به کنفرانس ارائه داد. سپس
 شرکت کنندگان به بحث و اظهارنظر درباره گزارش پرداختند. سپس
 پلاتفرم فعالیت‌های آتی تشکیلات فرانکفورت توسط نوید محمدی به
 کنفرانس ارائه داده شد. بر اساس این پلاتفرم نقشه عمل فعالیت‌های آتی
 کمیته پیش خواهد رفت. دستور جلسه آخر کنفرانس انتخاب کمیته آتی
 تشکیلات فرانکفورت بود و رفقای نامبرده توسط اعضای حاضر در

کنفرانس شهری تشکیلات فرانکفورت

حزب کمونیست کارگری ایران



از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۲ آذر ۱۴۰۳

جمعه ۹ آذر

۶۳ کارگر روزمزد فضای سبز نفت و گاز آغاجری، در اعتراض به محقق نشدن وعده تبدیل وضعیت شغلی خود از سوی مسئولان وزارت نفت و شرکت ملی مناطق نفت خیز، دست به اعتراض زدند.

پنجشنبه ۸ آذر

جهت مقابله با اعتصابات پرستاران و کادر درمان، ریاست دانشگاه و معاونین او در دانشگاه علوم پزشکی، با مدیرگروه‌ها و دانشجویان جلسه‌ای برگزار و از آنها خواستار شدند که به بیمارستان‌ها بروند و به جای پرسنل، شیفت به دهند. در غیر این صورت، با آنها برخورد و مانع از فارغ‌التحصیلی آنها خواهند شد. همچنین گفته می‌شود این دانشگاه نیروهای سایر شهرستان‌های استان را نیز به‌واسطه شبکه‌های بهداشت و درمان شهرها، دعوت به شیفت دادن در بیمارستان‌های سطح شهر اهواز کرده است. قبلاً نیز این مسئولین تلاش کردند که با وعده‌وعید صف اعتراض پرستاران را درهم بشکنند که موفق نشدند. اعتصابات پرستاران ادامه دارد و آنها همچنان بر مطالبات خود پافشاری می‌کنند.

چهارشنبه ۷ آذر

کادر درمان و کارکنان نظام سلامت و پرسنل بیمارستان طالقانی و بیمارستان فوق تخصصی آنکولوژی بقای ۲ در اهواز به اعتراضات پیوستند و دست به اعتصاب زدند. طی روزهای قبل از آن اعتصاب و اعتراض پرستاران و کادر سلامت در بیمارستان‌های خمینی، گستان، رازی و آپادانا جریان داشت و در تجمع اعتراضی آنها شمار جمعیت به ۴۰۰ نفر می‌رسید.

یک دانش‌آموز دختر ۱۶ ساله، بنام سوگند زمان‌پور در شهر مسجد سلیمان دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد. بدین ترتیب دختر نوجوان دیگری قربانی بساط آپارتاید جنسی و جنسیتی جمهوری اسلامی شد.

محمد طهماسبی، شهروند بازداشتی اهل ایذه، بیش از ۱۰۰ روز است که در زندان شیبان اهواز بلا تکلیف مانده است. طبق اخبار منتشر شده چندی پیش، خانواده محمد برای پیگیری وضعیت پرونده وی به یکی از شعب دادرسی اهواز مراجعه کردند. در آنجا به آنها اعلام شد که تحقیقات همچنان ادامه دارد و امکان آزادی او با وثیقه فراهم نیست. محمد طهماسبی در تاریخ ۲۳ مردادماه، توسط نیروهای امنیتی در ارومیه بازداشت و سپس به اهواز منتقل شد. وی پس از یک ماه بی‌خبری طی یک تماس تلفنی با خانواده خود، از انتقالش به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز خبر داد. او سرانجام اوایل مهرماه، پس از اتمام مراحل بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز به بند هشت زندان شیبان همان شهر منتقل شد. محمد طهماسبی به بیماری‌های چسبندگی روده، تنگی نفس و درد در ناحیه قفسه سینه مبتلاست و محروم از دارو و درمان در زندان به سر می‌برد.

مرتضی نعمتی، عضو هیئت علمی و استاد برکنار شده دانشگاه اهواز، بر اساس پرونده امنیتی‌ای که برای وی تشکیل شده به دادگاه احضار شد. یک خواست مبارزاتی مردم پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده‌های امنیتی تشکیل شده و آزادی همه زندانیان سیاسی است.

کارگران آبفای اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود دست به تجمع زدند.

بازنشستگان صنعت نفت، بار دیگر در اعتراض به مشکلات معیشتی و بساط چپاولگری حاکم، جنب صندوق رفاه و امور بازنشستگی واقع در امانیه اهواز تجمع کردند.

سه‌شنبه ۶ آذر

پرستاران و پرسنل اتاق عمل بیمارستان رازی اهواز در اعتراض به تفاوت فاحش تعرفه‌های پرداختی نسبت به بخش‌های دیگر، عدم احتساب اتاق عمل به‌عنوان بخش ویژه، انبوه معوقات، کمبود نیرو، اضافه کاری اجباری و تحمیل وظایف خارج از چهارچوب مقررات کاری، تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی و طرحی، دست به اعتصاب زدند. پرستاران و کادر درمان این بیمارستان از یکشنبه ۴ آذرماه در اعتصاب بوده و اعلام کرده‌اند تا وقتی که پاسخ نگیرند به اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

دوشنبه ۵ آذر

بازنشستگان مخابرات در اهواز در کنار دیگر شهرها در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

پرستاران و کادر درمان بیمارستان امام خمینی اهواز دست به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی زدند و با کف‌زدن و فریاد شعارهای "حقوق ما ریالیه هزینه‌ها دلاریه"، "پرسنل داد بزن، حق تو فریاد بزن" اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها اعلام کردند. در این حرکت اعتراضی حدود ۴۰۰ نفر از کارکنان بیمارستان امام خمینی اهواز شامل پرستار، تکنسین اتاق عمل، تاسیسات و خدمات... شرکت داشتند.

کارکنان مرکز بهداشت آبادان و تمامی کارکنان شبکه بهداشت خرمشهر، در اعتراض به عدم پرداخت کارانه مصوب وزارت بهداشت، عدم ترمیم حقوق، تبعیض در پرداختی‌ها، با در دست داشتن بنر و نوشته‌هایی اعتراضی، در این محل تجمع داشتند و شعار می‌دادند: تحصن، اعتراض هر روز ادامه دارد.

یکشنبه ۴ آذر

بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های هر هفته، در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و برای پیگیری مطالباتشان در شوش و اهواز دست به تجمع زدند.

بازنشستگان فولاد در اهواز در اعتراض به خلف وعده‌ها و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

کادر درمان بیمارستان آپادانا در اهواز در اعتراض به تأخیر پرداخت حقوق و معطلی سه‌ساعته بیماران و همراهان آنها، دست به تجمع اعتراضی زدند.

شنبه ۳ آذر

تمامی بهورزان در شبکه بهداشت در شادگان در اعتراض به عدم پرداخت کارانه مصوب وزارت بهداشت، عدم ترمیم حقوق و تبعیض در پرداختی‌ها، با در دست داشتن بنر و نوشته‌هایی اعتراضی، در شبکه بهداشت و درمان شادگان تجمع کردند!

جمعه ۲ آذر

از زمان انتقال ۴ زندانی سیاسی اهوازی، به اسامی محمدرضا مقدم، معین خنفری، علی مجدم و عدنان موسوی غیبشایوی محکوم به اعدام به سلول انفرادی، خبری از آنها نیست. این زندانیان در ۲۴ مهر برای اجرای حکم به انفرادی زندان سپیدار منتقل شدند. در اعتراض به این موضوع و برای پیگیری وضعیت آنها، خانواده‌های این زندانیان که نگران حال عزیزانشان هستند، چند روزی تحصن داشتند. به حمایت از این زندانیان و خانواده‌هایشان بهشتابیم. این چهار زندانی سیاسی طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ بازداشت و از سوی دادگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شدند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۹ نوامبر ۲۰۲۴، ۱۴۰۳

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید